۳۵۳

میکروفیلم تهیه شد

رساله در پند و اندرز (ناقص)

۱۹ /۱۰/ ۱۳۸۳

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب رساله در اخلاق

مصنف

مؤلف

خطی نسخ

چاپی دوازده سطری

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۱۰۵

جزء کتب اخلاق شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۲۶۶۲ شماره قبض

واقف فریاری تاریخ وقف فریاری آذرماه ۱۳۵۲

طول ۲۰ عرض ۱۱/۵ شماره صفحات

۱۱۷

قال علی خیر الاعمال صحبت الاخیار وشر الاعمال صحبت الاشرار

مصابیح القلوب

بسم الله الرحمن الرحیم

وکما لقمان حکیم پسر خودرا نصیحت میکرد
بامودمی که خدایرا یاد میکنند بنشین که
اگر عالم باشی علمت زیاده شود واگر
علم ندانی بیاموزی وخدای تعالی
بر تو رحمت کند

گوید که مثل همنشین نیک چنانست
که چون کسی مشک دارد اگر ترا ندهد
باری بوی خوش بتو میرسد ومثل همنشین
بد چنانست که چون کوره آهنگراست اگر
جامه‌ات نسوزد باری دود وهول بتو

میرسد [illegible] پیغمبر صـ (الکرم)
که دو کلمه است که خدای تعالی پیش از آفریدن
[illegible] خلقان بزیر عرش ثابت کرده است
یکی آنست که اگر کسی (بقدر) همه روی زمین طاعت
کند و با بدان نشیند روز قیامت با بدان
برخیزد و اگر کسی بقدر همه معصیت روی زمین
بکند و با نیکان نشیند روز قیامت با نیکان
برخیزد روایت کند از استاد
خود که هر که علم آموزد و در مجلس علم
نشیند و هیچ چیز نتواند یاد گرفت خدای
تعالی او را ده چیز کرامت کند اول
ثواب عالمان بدهد دوم دری

از گناهان

از گناهان بر او بسته کرداند سیم رحمت
خدای تعالی بر او فرو بارد چهارم نیکی
در دیوان او ثبت کند پنجم بدی از دیوان
او محو کند ششم خدای تعالی او را
بدوستی گیرد هفتم فرشتگان همنشین
او باشند هشتم خدای تعالی آن قوم را
شفیع او کرداند نهم بر علم آموختن
حریص شود دهم معصیت بر دل او
سرد باشد
دیگر گوید که [illegible]
مجلس علم بمانند بهشت است هر که در او
برآید خوشدل شود
فرمود که یک مجلس علم مومن را کفاره

دو بار هزار فسق باشد وامیر المؤمنین
علی علیه الصلوة والسلام فرمود که هر که
از خانه بیرون آید وبمجلس علم رود ودو برا
گناهان چندانکه کوههای گران بود
چون از مجلس علم بیرون آید بر تن او
هیچ گناه نباشد وعلقمه گوید که کسی از
علم یک مسئله از من پرسد والمن از کسی
پرسم دوستتر دارم از انکه صد اسب در راه
خدای تعالی صدقه کنم مرویست که
رسول صلی الله علیه واله وسلم فرمود که
چون جماعتی بمجلس علم روند فرشتگان
از آسمان بانگ همی زنند که مبارکتان باد

که خدای تعا

که خدای تعالی جمله گناهان شما را بیامرزید
وهم آنحضرت فرمود که با عالمان نشینید که
شما را از پنج چیز بازدارند اول از شک دوم
از کبر سیم از درماندگی چهارم از ریا پنجم
از طلب کردن دنیا روایتست از امیر المومنین
علی ع فرمود که مردی در بنی اسرائیل هفتاد
سال علم آموخت حق سبحانه وتعالی به پیغمبر
وحی کرد که بگو آن عالم را که اگر چندان هم علم
بیاموزی ترا سود ندهد مادام که
سه کار نکنی اول انکه دست از دنیا بداری
که سرای مومنان نیست دوم انکه با شیطان
رفیق مباش که رفیق مومنان نیست سیم

مومنان را از خوی خویش ایمن دارد که خوی
بدکار عالمان نیست و گویند فرشتگان از سه
چیز عجب آیند اول از فاسق دوم از عبادت
کننده که بدبخت نفس باشد سیم از نواختن
زن بدکار مرویست از حضرت بهترین
کائنات عالم محمد مصطفی صلی الله علیه واله
وسلم که هر که علم آموزد از بهر چهار چیز جای
او دوزخ باشد اول انکه علم آموزد تا بر
مردمان فخر کند دوم انکه با سفیهان
لجاج کند سیم انکه تا پیش روی عالمان باشد
چهارم انکه دنیا طلب کند یکی از بزرگان
گوید که ده کار از مردمان زشت است

بزی

تری نمودن از سلطان و بخل نمودن
از توانگران و بی شرمی از مردمان اصیلی
و جوانی از پیران و صرد خود را چون
زنان آراستن و زنان خود را مردان نمودن
و رفتن زاهدان پیش توانگران و نادانی
اندر عبادت و تکبر از عالمان و پیش روی
از کودکان مرویست در المجالس عن ابی هریره که هر که با پنج گروه
مردم بنشیند او را هفت چیز زیاده
شود اول هر که با توانگران نشیند
دوستی دنیاش زیاده شود و هر که با درو
یشان نشیند شکر دلش زیاده شود و هر که
با زنان نشیند شهوت دلش زیاده شود

دولت اگر سلسله جنبان شود
مور تواند که سلیمان شود

وبد کہ با نیکان نشیند طاعتش زیاده شود
وبد کہ با عالمان نشیند پارسائیش زیاده شود
وبد کہ با کودکان نشیند مزاح وبازیش
زیاده شود وخدای تعالی خواب را در سه
جای دشمن داند اول در مجلس عالم دویم
پیش از نماز خفتن سیم پس از نماز بامداد
حروبیک خواب بر پنج نوعست خواب غفلت
وخواب ندامت وخواب عقوبت وخواب
رحمت وخواب کرامت اما خواب غفلت
آنست کہ در مجلس در خواب شود وخواب
ندامت آنکہ نماز نکند وبخسبد
همسایه او نماز کند وخواب عقوبت
انکہ

انکہ بسیار بخورد وبخسبد وخواب رحمت
انست کہ در نماز ودر ذکر بخواب شود و
خواب کرامت انکہ در روز پیش از زوال بخواب
شود لحظہ بشرط بیداری شب وگفت
خواب بر دست راست خواب عالمانست وبر دست
چپ خواب حکیمان است وخواب بالتمام خواب
پیغمبران است وخواب گرد زانو خواب پشیـ
مان وخواب بر پای خواب روندگان است
وخواب در ردی خواب دیوانست حضرت
گوید کہ خدای تعالی خنده را به سه جای
دشمن دارد اول در پیش جنازه دوم در مجلس
عالم سیم در گورستان یکی از بزرگان

گوید که مصیبت در دنیا چهار چیز است اول
انکه از تکبیر باز ماند دوم که نماز فوت شود سیم
انکه از مصاف کافران باز ماند چهارم انکه
از ایستادن بعرفات باز ماند گوید
در جهان این گروه مردم هیچ نیستند بدین تاویل
خیر نیست در کسی که درین جهان با مردم هیچ نشیند
و سلام از اهل قبله باز دارد اول انکه
بانگ نماز را جواب ندهد دوم انکه در کار
خیر مردم را یاری ندهد سیم انکه پس
در نمازی مسلمانان را دعای خیر نکند
از بزرگان که علامت پارسایی ده چیز است
اول نگاه داشتن زبان از کمان بد

دوم

ثبت کند و هزار بدی محو کند و هزار درجه
بنام او در بهشت بلند کرداند یکی از بزرگان
هر روز بر ستوری نشستی و بر بازار آمدی و این
کلمه بگفتی باز گشتی سخنی پیش فضیل عیاض
امدی و گفتی مرا وصیت کن فضیل گفت پنج
چیز از من یاد گیر اول انکه هر چیزی بتو رسد
بگو که قضای خدای تعالی بود بدان رضا
داده ام دوم انکه زبان از بد نگاه دار
سیم بخدای تعالی وعدها راست کن
چهارم از مرگ فراموش مکن پنجم در هر
کار که باشی با یاد خدای تعالی باش یکی از
حکما پرسید که چرا وعظ و پند در من

اثر نمیکنند و یاد نمیتوانم کوفت کفت از بهر
آنکه پنج چیز در شما موجود نیست اول آنکه
شکر خدای تعالی را نمیکذارید دوم آنکه
از کناه توبه نمیکنید سیم آنکه در مقتول
شوید چهارم آنکه سخن پارسایان را حقیر
میشمرید پنجم آنکه یاران خود را بزیر خاک می‌بینید
و عبرت نمیکیرید روایتست که رسول صلعم
فرمود که هر روز پنج فرشته از آسمان فرود آیند
یکی بمکه و یکی بمدینه آیند و ندا کنند که هر که
از سنت رسول صلعم دست بدارد از شفاعت
او نصیب نیابد و یک فرشته به بیت المقدس
آید و ندا کند که هر که کسب خود را حرام کند
خدای تعالی

اولین دین است و هم آخرین ترا دوا
بود کفت ای پسر چهار چیز نکاه دار
اول بدنیا مشغول مباش دوم آنکه
براه خدای تعالی عبادت کن خدمت خلق
کن سیم چون کناهی قصد تو کند بدرکاه
خدای تعالی کریز چهارم برکناه چندان بنال
که در آتش دوزخ توانی بود حضرت بهترین
عالم محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم
فرمود که ای مومنان بکار دین مشغول
شوید و بکسب حلال و از مردمان چیزی
سؤال مکنید که هر یک در سوال برخود
بکشاید خدای تعالی هفتاد در

از درویشی بروی بگشاید و هر که سوال نکند
و بکسب حلالی مشغول باشد خدای
عز وجل او را بدوستی گیرد و از درویشی در
دو جهان نگاه دارد ایضا رسول صلعم فرمود
که اگر خواهید که مال افزون کنید بتجارت
بروید و کسب حلال کنید و کار خود بدست
خود کنید تا شمار ثواب شهیدان باشد
گوید هر که خواهد که کسب او حلال
بود باید که پنج چیز نگاه دارد اول فر
یضهای خدای تعالی بوقت بگذارد دوم
خلق را بسبب کسب نیازارد سیم کسب
از بهر جمع کردن مال نکند چهارم بسیار کار
برتن

۸

برتن ننهد پنجم روزی انخدای تعالی بیند
آورده اند که هر پیغمبری پیشه
داشته اند ادم علیه السلام دهقان
بوده است و بافنده و ادریس ع درزی بوده است
و نوح و زکریا علیهما السلام درودگر بوده اند
و هود و صالح بازرگان بوده اند و ابراهیم
دهقان بوده است و موسی شبان بوده است
و داود زره گر بوده است و سلیمان
زنبیل باف بوده است و حضرت محمد صلعم
دو پیشه داشت یکی مزدوری و تجارت و یکی غزا کردن
و هر که این دو پیشه دوست دارد حضرت
رسول را دوست داشته باشد حضرت رسول

بسم الله الرحمن

صلی الله علیه واله وسلم گفت سه وام است
که خدای تعالی از خزانهٔ غیب خود گذارده
شود اول انکه در راه غزا وام کند دوم
انکه از بهر کفن مومن وام کند سیم انکه
از بهر زن صالح وام کند تا او را نکاح کند
ایضا فرمود رسول صلی الله علیه واله وسلم
که یکنان از کسب حلال بدرویشی دادن
فاضلتر است از دویست رکعت نماز
تطوع و یک حاجت مومن بر آوردن
فاضلتر است از هزار رکعت نماز تطوع
کنی و از غیبت باز بودن فاضلتر است
انکه هزار رکعت ~~نماز~~ نماز تطوع
کنی

کنی و حاجت بیوه زن خاطر شکسته بر
آوردن بهتر است از انکه سی هزار رکعت نماز
کنی و یکساعت با عیال خویش بودن
بهتر از انکه دو ماه در مسجد معتکف نشینی
و یک درم با عیال خویش نفقه کردن
بهتر از انکه هزار دینار در سبیل خدای تعالی
نفقه کرده باشی و با مادر و پدر نیکویی کردن
فاضلتر از انکه دو هزار سال عبادت کنی
حضرت رسول صلعم فرمود که مرد مومن درویش
که او را عیال باشد و با ایشان نیکویی
کند و نفقه بر ایشان فرا نگیرد بدانکه
تواند از دوی ثواب همچنان باشد که در روی

دنیا همه درویشانرا سیر از طعام کرده باشد
و هر که مادر و پدری فقیر و مانده را دست گیرد
و برایشان نفقه کند از روی ثواب همچنان
باشد که ده هزار حج و ده هزار عمره کرده
باشد و ده هزار غزا کرده باشد و همچنان
بود که جمیع امت محمد صلعم را طعام و جامه
داده باشد و هر که مادر و پدر مرده را دعا
کند یا صدقه دهد از مال حلال باین
ثواب برسد انشاء الله تعالی قوله تعالی
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ
مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى
ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ الخ

حضرت حق سبحانه و تعالی جلاله میفر
ماید که ای آنکسانی که ایمان آورده اید
چون آواز دهند شما را بنماز جمعه بروید
و بیع و شرا مکنید که حرامست و گروهی
گفته اند که بیع نبندد و گروهی گفته اند
بیع بندد لیکن بایع و مشتری هر دو عاصی
باشند و گروهی گویند که این در وقت بانگ
نماز و بیرون آمدن خطیب بود اما بدانکه
روز جمعه نامیست از نامهای این
روز و این روز را ده نامست
گویند گویند گوید
گوید گویند

کس [illegible] کرامات شیخ [illegible]
[illegible] کاف [illegible] بود

کویند کویند کویند
کویند
کویند کویند ونام معروف جمعه
است که اجتماع الناس فی الجامع وما صلیٰ
روزیست چنانکه حضرت سید کاینات
محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم گفت
سید الایام یوم الجمعة یعنی روز
جمعه از جمله روزها بزرکترست وروز
ادینه از روز عید رمضان وقربان و
عاشورا وفاضلترست ودر دنیا عید
مومنانست ودر آخرت عید بهشتیان است
کویند که سید کاینات وخلاصه موجودات
محمد مصطفی صلعم فرمود که روز جمعه صلوة
بسیار

حاجی بابا شهدیر اسماعیل اسمعیل ابراهیم
حسین کفرا فاطمه یوسف
یوسف محمد پدری نازنین
سید ابراهیم [illegible] خانه دیر

بسیار فرستید که روز قیامت بر من عرضه
کنند و گفت هر که روز جمعه هشتاد بار
بر من صلوة فرستد خدای تعالی گناه
هشتاد ساله او را دفع کند ایضا آنحضرت
فرمود که هر که در روز جمعه غسل کند
و بمسجد جامع رود و نزدیک منبر بنشیند
و بتسبیح و استغفار مشغول باشد تا
نماز جمعه بگذارد بهر قدمی که بردارد
و بنهد ثواب طاعت یکساله در نامه
اعمال او ثبت کند خدای عز وجل که روز
ها بروزه وشبها بنماز بوده باشد ایضا
آنحضرت فرمود که هر که در روز جمعه

غسل کند عطا دهد خدای تعالی او را
به هر قطره آب که از وی بچکد حوری در
بهشت برای او بیافریند و گفت هر که روز جمعه
غسل کند به عدد هر موی که بر تن او باشد خدای تعالی
ثواب پیغمبری بدهد و هیچ خطا بر وی
نرسد تا جمعه دیگر و اگر بمیرد شهید مرده باشد
روایت از حضرت امیر المومنین علی
علیه الصلوه والسلام از حضرت بهترین
عالم محمد مصطفی صم فرمود که هر که روز
جمعه غسل کند به هر قطره آب که از وی بچکد
خدای تعالی فرشته بیافریند تا بروز قیامت
ان بنده را آمرزش میخواهد ایضا
فرمود

فرمود هر که در روز جمعه زیارت کند قبر
مادر و پدر خود را خدای تعالی ثواب دو حج
برا او کرامت کند و هم آنحضرت فرمود
که دوست من آنست که روز جمعه نیت
روزه کند پنجشنبه و شنبه هم نهی است
روز جمعه تنها روزه باید گرفتن و باید که
جامه سفید را [illegible] پوشد که خدای تعالی
جامه سفید را دوست دارد و بوی خوش
بکار دارد و موی ها که برداشتن آن سنت
بود از تن پاک کند و بگاه بمسجد رود و در راه
مسجد آهسته و بحرمت برود و هر که در ساعت
اول بمسجد رود چنان باشد که شتری قربان کرده باشد

و هر که در ساعت دوم بمسجد شود چنان بود
که گاوی قربان کرده باشد و در ساعت سیم گوسفند
قربان کرده باشد و در ساعت چهارم مرغی قربان
کرده باشد و در ساعت پنجم بیضهٔ مرغی قربان
کرده باشد و چون در مسجد شود صف اول
طلب کند و اگر مردمان آمده باشند پای بگردن
ایشان ننهند و پیش ایشان نشود از [illegible]
در پیش صف بنشیند که کسی پیش او نگذرد
و چون خطیب بخطبه خواندن مشغول
شود البته باید که مستمع خطبه شود و هیچ
سخن نگوید و هر کس سخن بگوید با دیگران
هیچکدام را ثواب نماز جمعه نبود و چون

از نماز

از نماز جمعه فارغ شود سورهٔ فاتحه و سورهٔ
اخلاص و معوذتین هر یکی را هفت بار
بخواند و بعد از آن بگوید

و پیغمبر صلعم فرمود هر که بعد از نماز جمعه صد بار
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد خدای تعالی
صد هزار گناهان او را بیامرزد و بیست
و چهار هزار گناهان مادر و پدر او را بیا
مرزد روایتست از امیر المؤمنین علی
ابن ابی طالب ع که رسول صلعم فرمود که
وای بر آنکس که روز قیامت مرا و ترا نبیند

بگفتم یا رسول الله آن که باشد که روز قیامت
مرا و ترا نبیند و شفاعت مارا در نیابد
و فرمود که ترک کنندهٔ نماز جمعه و نماز با
جماعت مارا نبیند و شفاعت مارا در
نیابد و فرمود که هر که سه جمعه نماز جمعه را
ترک کند دل آن شخص سیاه گردد و همیشه
پراکنده بود و پراکنده کی وی جمع نگردد
روایت کنند که ده چیز از جفا است اول
انکسی که خود را دعا کند مادر و پدر و
همسایه را دعا نکند دوم انکسی که قران
داند و هر روز پارهٔ از قران نخواند سیم
انکه بگورستانی بگذرد و بر اهل گورستان
سلام

سلام دعا نبخشند چهارم انکه در مسجد شود
و دو رکعت نماز نکند بیرون اید پنجم
انکه در همسایگی وی عالمی باشد وی بنزد او
نرود و علم دین نیاموزد ششم دو مسلمان
بهم رسند و تمام یکدیگر نپرسند [و حال] هفتم
انکه او را بطعام حلال طلبند او نرود بی
عذری هشتم انکه جوانی روزگار خود را
ضایع کند و حرمت پیران ندارد نهم
انکس که خود سیر بخورد و همسایهٔ او گرسنه
باشد دهم انکه روز ادینه در شهر بود نماز
جمعه نکند و بیرون اید روایت کند حضرت
امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه الصلوة

والسلام از حضرت پیغمبر صلعم که هر که روزهای
جمعه نماز بامداد بجماعت بگذارد عطا کند
الله تبارک وتعالی اورا بهر رکعتی شهری
در بهشت بیافریند وامرزش خواهند اورا
فرشتگان اسمان وزمین بعدد ماهیان
ومرغان هوا وستارهای اسمان وبرگهای
درختان وقطرهای باران واگر تا بوقت
جمعه دیگر بمیرد شهید مرده باشد وچون
نماز جمعه ونماز پیشین بجماعت بگذارد
خدای تعالی اورا ثواب عالمان وزاهدان
کرامت کند وبهر رکعتی ثواب حج وعمره بیابد
وتاجی از نور بر سر وی نهند واگر تا بنماز

عصر

عصر بمیرد شهید مرده باشد وچون نماز
دیگر بجماعت بگذارد همچنان بود که بیست
وپنج حج کرده باشد با بیست وپنج پیغمبران
اول با ادم ع دوم با نوح ع سیم با ادریس ع
چهارم با ابراهیم ع پنجم با موسی ع ششم
با داود ع هفتم با صالح ع هشتم با یعقوب ع
نهم با یوسف ع دهم با اسحق ع
یازدهم با اسمعیل ع دوازدهم با زکریا ع
سیزدهم با یونس ع چهاردهم با ایوب ع
پانزدهم با هارون ع شانزدهم با یحیی ع هفدهم
با الیاس ع هجدهم با دانیال ع نوزدهم
با موسی جرجیس ع بیستم با عیسی ع

بیست ویکم

بهشت دوم با حضرت محمد مصطفی صم
واگر تا وقت نماز شام بمیرد شهید مرده
باشد و چون نماز شام بجماعت بگذارد
همچنان باشد که هزار یتیم را پوشانیده بود
و هزار گرسنه را طعام داده باشد و همچنان
باشد که جمیع پیغمبرانرا خدمت کرده بود
و همچنان باشد که بیت المقدس را بدست
خود بنا کرده بود و خدای تعالی گور او را
روضه کرد از روضهای بهشت و منکر
و نکیر را بروی مهربان کرداند و اگر بوقت
خفتن بمیرد شهید مرده باشد و چون
نماز خفتن را بجماعت گذارد منادی

ندا کند

ندا کند در زیر عرش که ای بندهٔ خدای تعالی
آرزوی چه داری بخواه از خدای تعالی
که هر چه خواهی بیابی و از دنیا بیرون
نروی تا جای خود را در بهشت نبینی
و بوقت مرگ شربتی از کوثر بخورد و از
میوهای بهشت تناول بکند و خدای
تعالی مادر و پدر ویرا بیامرزد و اگر
درین شب بمیرد شهید مرده باشد حضرت
فرمود که بهترین روزها آدینه بود
چون خدای تعالی ادم را آفرید روز
آدینه بود و چون او را به بهشت در آورد
روز آدینه بود و چون توبه ادم را قبول

کرد روز آدینه بود و بدانکه سلامتیهای
که بهشتی از قیامت خواهد بود همه در روز
آدینه خواهد بود و رسول صلعم فرمود که خدای
تعالی چهار روز را بر بهترین روزها
کرد اند اول روز آدینه دوم روز عرفه
سیم روز عید فطر چهارم روز عید قربان
بدانکه باول قطرهٔ خون که از قربانی بچکد
بر زمین خدای تعالی کفارت گناهان صاحب
آن کند روایت کنند از استاد خود
عبدالله عباس رحمه الله علیه که حضرت
رسول صلعم فرموده که هر که روز قربان
قربان کند به هر عضوی از آن قربان

خدای

خدای تعالی عضوی از صاحب قربان
آزاد کند از آتش دوزخ و گفت صلعم که طاعت
کردن در دهه روز عید قطر فاضلتر است
بنزدیک خدای تعالی از همه عملها مگر کسی
با مال خود بقدر رود و شهید شود باشد روایت
کنند جابر بن عبدالله که جوانی بود که پیوسته
دهه عید قربان روزه داشتی رسول صلعم
او را بخواند و گفت ای جوان بشارت باد
ترا که هر که در بیست دهه عید قربان روزه دارد
چندان ثواب بود که دو سال پیوسته روزه
داشته باشد ابوذر روایت کنند از رسول صلعم
فرمود که وای بر آنکسی که از خیر دهه محرم

محروم ماند ایضا آنحضرت فرمود که هر که
در روز عید اضحی طعام نخورد تا از نماز
فارغ شود چون بخانهٔ آید دو رکعت نماز کند
فاتحهٔ یکبار و ... پنج بار بخواند شریک
حاجیان و عمره کنند کارش باشد در ثواب
حضرت رسول صلعم فرمود که هر که ماه رمضان
روزه بدارد و شش روز دیگر بعد از ماه
روزه بدارد چندان ثواب یابد که همه سال روزه
داشته باشد و هم آنحضرت فرمود که هر که از
بهر خدای تعالی یکروز روزه بدارد و پنهان
از خلق خدای تعالی جملهٔ گناهان او را بیامرزد
و بر او رحمت کند و رسول صلعم گفت هر که بدین
ششی

شش خصلت قیام نماید بهشت بر
او ل جهاد کردن دوم در گرما روزه داشتن
سیم در مصیبت صبر کردن چهارم از
ریا دست داشتن پنجم بگاه برخواستن
ششم در سرما آبدست تمام کردن
رحمه الله علیه گفت اگر از بهر سه کار نبودی
من هر گز از مرگ اندوهگین نبودمی اول
از بهر روزه داشتن در گرما دوم از بهر سجده
کردن سیم از بهر دیدار عالمان
فرمود که چون روزه داران از گور بر خیزند
دهان ایشان بویاتر از مشک بود پیش
ایشان بازآیند با خوانهای از آسمان

شیر و شکر و انگبین و مشک عنبری بموی او نهاده
د گویند مهر بردارید و بیاشامید
فرمود که هر که روز عاشورا روزه بدارد مر او را
ثواب عبادت شصت ساله بنویسند که در این
شصت سال روز بروزه دارد عطا دهد
خدای تعالی او را ثواب هزار حج و هزار عمره
و ثواب هزار شهید و ثواب کسانی که در هفت
آسمان و زمین اند و هر که روز عاشورا
مومنی را طعام دهد که روزه گشاید چنان
بود که جمیع امت محمد را طعام داده باشد
از مال حلال خویش و هر که دست بر سر یتیم فرود آرد
آورد و او را دلشاد کند خدای تعالی بهر موی
بر

برسر و تن یتیم بوده باشد او را در بهشت درجه
بلند کرده اند و هر که در روز عاشورا بر روی
عالم نگاه کند روی او را خدای تعالی از
آتش دوزخ نگاه دارد و هر که روز عاشورا
سرمه در چشم کشید که درد چشم نبیند
ایقنا فرمود که خوشا آن کسانی که در
روز عاشورا ده خصلت بجای آرند
سرمه در چشم کشند   صدقه دهند
علم آموزند   نماز بسیار کنند
روزه گیرند   غسل کنند
مسواک کند   پرهیز کنند
توبه کند   دعا بسیار کنند

کند امیر المومنین علی ابن ابی طالب ع
از بهترین عالم محمد مصطفی صم خدای تعالی
آسمانها را روز عاشورا آفرید و زمینها را
نیز روز عاشورا آفرید و لوح و قلم را روز
عاشورا بهشت برد و ابراهیم را روز عا
شورا آفرید و از مادر متولد شد و روز
عاشورا بود که از آتش نمرود امان یافت
در روز عاشورا بود که از خدای تعالی
ذبح اسمعیل در آمد در روز عاشورا
بود که توبه آدم قبول شد و روز عاشورا
بود که عیسی از مادر متولد شد و روز
عاشورا بود که فرعون را غرق کرد اند

و روز

در روز عاشورا بود که خدای تعالی با موسی
سخن کرد و در روز عاشورا بود که خدای
تعالی عیسی را با آسمان برد روز عاشورا
بود که حضرت محمد مصطفی صم از مادر
متولد شد و روز قیامت نیز عاشورا خواهد شد
الهی بحرمت پادشاهی تو و بحرمت روز عاشورا
که بر اهل مجلس ما رحمت کن و همه را از آتش
دوزخ نگاه دار یا اله العالمین و یا خیر النا
صرین

مصطفی ۳ حضرت بهترین
کائنات پیغمبر ما فرماید که هر که اول ماه رجب

روزه دارد چنان بود که هزار سال روزه
داشته بود و دیگر میفرماید که هر که اول
روز پنجشنبه و جمعهٔ ماه رجب روزه دارد
و میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت
نماز بگذارد در هر رکعتی فاتحه یکبار و انا
انزلناه سه بار و قل هو الله احد دوازده
بار بخواند و سلام دهد چون از نماز فارغ
شود هفتاد بار صلوات بر نبی و آل بفرستد
پس سر بسجده نهد و در سجده هفتاد بار بگوید

سر از
سجده بردارد و هفتاد بار بگوید .

و دیگر بار بسجده نهد هفتاد بار
بگوید
بعد از آن هر حاجتی که دارد
از خدای تعالی بخواهد که روا گردد
فرمود که هر که این نماز را بگذارد بیامرزد
خدای تعالی گناهان او را اگر چه مانند
کف دریاها و برگ درختان و قطره های
باران و موی چهارپایان و به عدد ستار
گان آسمان بود جمله را خدای تعالی
بیامرزد و ببخشد از اهل بیت و اقربای
او هفصد کس مستوجب آتش دوزخ
باشند فرمود که هر که یکروز

ازان درخت فرو اید بپرد و خود را بدریا
بدریا افکند و قطرهٔ چند آب بر دارد
و باز بر سر درخت برد و خود را بیفشاند
بهر قطرهٔ اب که ازوی بچکد خدای تعالی
فرشته بیافریند که ان بنده را امرزش خواهند
تا روز قیامت   فرمود که هرکه
بامداد برخیزد و ده بار برمن صلوة بفرستد
وی را ثواب نمازکنندگان بنویسند و هرکه
بعد از وضو ساختن ده بار برمن
صلوات فرستد فرح الله همه در سبحان
دعوات مهمات او روا شود و دعای او
مستجاب و هرکه هر دوی ابو ... حمد شب

ازین ماه روزه دارد همچنان بود که سی
روز از ماه های دیگر روزه داشته باشد
وگفت صم هرکه روز پنجشنبه و جمعه و شنبه
از ماه رجب روزه دارد و بنویسد خدای
تعالی او را عبادت هفتصد سال
انحضرت فرمود که هرکه در ماه رجب هر شب پیش
از تکبیر کردن سوره فاتحه و سورهٔ اخلاص
و معوذتین برخواند خدای تعالی عذاب
گور و سختی روز قیامت از و بردارد
و بعوض هر ایتی ثواب حجی و عمرهٔ در نامهٔ اعمال
او ثبت کند و بعوض هر سورهٔ ثواب دوازده
صد یقی کرامت کند   رسول صم

فرمود

شانه کند و هفت بار بر من صلوة
بفرستد چشم او هرگز درد نکند و گفت
هرکه پیش از دعا کردن یا بعد از دعا کردن
صلوة نفرستد دعای وی بجایگاه نبرند
و هم فرمود که هرکه یکبار بر من صلوة
فرستد فرشته ایست نام آن فرشته رعد است
موکلست بر ابر و باران آن فرشته
ایست ده بار صلوة برو فرستند و
فرشتگان اسمان اول و زمین بشنوند
صد بار بر انکس صلواة فرستند
و فرشتگان اسمان دوم بشنوند
دویست بار صلوة برو فرستند و

فرشته

فرشتگان اسمان سیم بشنوند پانصد بار برو
صلوة فرستند و فرشتگان اسمان چهارم
بشنوند هزار بار برو صلوة فرستند
و فرشتگان اسمان پنجم بشنوند پنج هزار
بار صلوة برو بفرستند و فرشتگان
اسمان ششم بشنوند شش هزار بار
صلوات برو فرستند و فرشتگان اسمان
هفتم بشنوند هفت هزار بار برو صلوة
بفرستند انگاه خدای تعالی رحمت بود
خطاب کند که ای فرشتگان دست از وی بدارید
که او تعظیم رسول من نموده است و بدانکه
صلوات خدای تعالی رحمت بود و صلوة

فروخته به بیع شرط شد
جناب مستطاب عالی
رضا قلی ابن مرحوم
اکبر ببلغ [illegible] زینل
[illegible] تومان از نور [illegible]
دختر بی بی [illegible]
الحاصل گرفت
بشهر ماه مبارک
رمضان المبارک
سنه ١٣٥٥
فرائیت شوم لا یاره

تحریر میرزا حسین و میرزا
محمد علی و شیخ محمد و [illegible]
علی خان [illegible]
[illegible] ١

فرشتگان استغفار بود وصلوة مومنان
دعا بود الهی برحمت سید کاینات که اهل
مجلس ما را رحمت کن یا اله العالمین

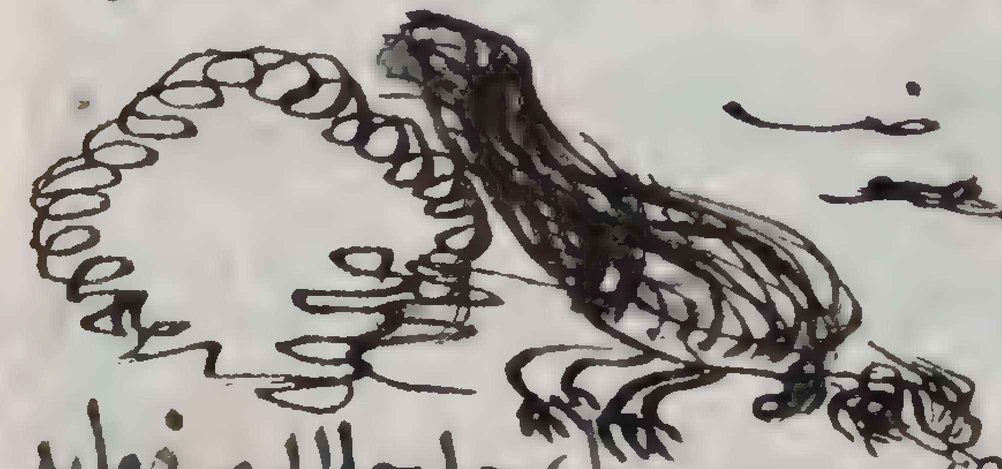

خدای جل جلاله میفرماید
که یا مومنان واجب کردند بر شما
روزه ماه رمضان چنانکه واجب کرده الله
بر آنکسانی که پیش از شما بوده اند بر پر
بپرهیزید از آن چیزها که از آن روزه تباه
شود فرمود که هر عمل که فرزند
آدم کند عمل نیک را ده بنویسند و

همچنین تا بهفتصد رسد مگر روزه
که خدای تعالی گوید روزه از آن منست
جزای وی من میدهم دست بدارد از
شهوت وطعام و روزه دار را دو شاد
مانی است یکی روزه دار نزد خدای
تعالی خوشتر است از بوی مسک نزدیک
شما و روزه سپر بلاست
که هر چیزی را درایست و در طاعت
روزه است و خواب روزه دار عبادت
و نفس وی تسبیح است و دعای وی
مستجاب است و روزه بیست و دو
و فایده است فایده اول تسبیح فرشتگان

کردن فایدهٔ دوم نفس اماره که دشمن
خدای تعالی است مهر کردن سیم خصو
صیت حاصل کردن که
فایدهٔ چهارم ثواب بسیار دیدن
اور دیدهٔ فایدهٔ پنجم نفس آلوده از گناه پاک
کردن فایدهٔ ششم تخته دل را از خاک
نفسانی بشستن و فایدهٔ هفتم راه شیطان
امان یافتن فایدهٔ نهم سیری حاصل کردن
و فایده دهم نام در جریدهٔ
مخلصان ثبت کردن و فایدهٔ یازدهم
در دکرستگان شناختن و فایدهٔ
دوازدهم و سیزدهم دوشادمانی یکی
افطار

افطار کردن دیگر خشنودی خدای تعالی
چهاردهم نگاه داری نظر فایدهٔ پانزدهم
فایدهٔ تن درستی حاصل کردن و شانزدهم
امانت گذاردن فایدهٔ وفای
بعهد کردن فایدهٔ جهت خود
منصب و امارت حال کردن یعنی روزه
دار امین نفس خود باشد و فایدهٔ نوزدهم
ده نیکی در دیوان خود ثبت کردن نوشتن
فایدهٔ خود را از بیهوده گفتن
باز داشتن فایدهٔ انکه
بر روزه داران بعد از نماز لغو ننویسند
فایدهٔ انکه پیش از همه خلق

نعمت بهشت بخورد و بدانکه ماه رمضان
ماهیست که اولش رحمت است و میانش
امرزش است و اخرش ازادکانست
ازاتش دوزخ فرمود که خدای
تعالی در هر شبی از ماه رمضان هزار هزار
بندهٔ عاصی را از اتش دوزخ ازاد کند
و گفت هر که روزه داری را طعام دهد
تا روزه بکشاید چنان بود که بندهٔ
ازاد کرده باشد سلمان
فارسی از حضرت رسالت پناه محمد مصطفی
صلعم هر که درین ماه نماز تطوع کند چنان
بود که در ماه دیگر فریضه کرده باشد

باید در دهم اخر روزه رمضان باشد
از بهر انکه رسول صلی الله علیه واله وسلم
در ده اخر رمضان اعتکاف کرفت
و شب قدر بیافت از پس ان هر سال
در ده روز واپسین رمضان اعتکاف
کرفتی در شب قدر امده است و کلمات
بیست و هفت کلمه از انجا
بود که ومعنی ان بود که
اینست شب قدر و دیگرا استخراج کرده
اند که درین سوره بسه جای لیلة القدر
راست و هر یکی نه حرفست که جمله بیست
و هفت باشد کفتند الله اکبر که درست

شد که شب قدر بیست هفتم ماه رمضانست
لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر به
از هزار ماهست وکس نداند که چند
بهتر است مگر خدای تعالی تنزل الملائکة
از رسول صم که گفت چون شب قدر بود
خدای تعالی امر کند بجبرئیل که مرکب
برسان هفتاد هزار گردش هر گردشی
هفتاد هزار فرشته می آیند بزمین وعلم
سبز بر بام کعبه بزنند وجبرئیل را
ششصد هزار بال است که بدان
پرواز میکند ودو بال دارد که هرگز
ازهم نگشاید مگر شب قدر بگشاید یکی

بمشرق

بمشرق ویکی بمغرب انکه خدای تعالی
امر کند تا میکائیل هم چنان مرکبی
بسازد وبزمین اید وعلم سفید بر بام
مشهد مصطفی صم بزند اسرافیل را
امر کند او هم چنان مرکبی بسازد وعلم
سرخ بر صخره بیت المقدس بزند
وعزرائیل را درین شب فرمان بنا شد
که بر دنیا اید انکه فرشتگان در شهرها
وقریه‌ها وکویها وسرایها ومسجدها
پراکنده کردند وسلام خدای تعالی
بمؤمنان رسانند وفرشتگان
گویند بار خدایا اگر کسی درین شب

بزرکوار در خواب بود چکنیم خدای تعالی
کوید کردار و بکرد بدنا از خواب بیدار
شود سلام بر وی برسانید تا کس بود
که فرشتکان باز به بالین او همفتاد بار
شوند و سلام خدای تعالی بوی رسانند
و نور در شب قدر بوی نمایند وان نور
رحمت خدای تعالی بود که بنظر رحمت
خود به بندکان نکرد و دران نور امر ریاست
مؤمنان باشد هرکه ان نور به بیند هر حاجت
که از خدای تعالی بخواهد دریابد و کفته
اند هرکه دران شب بنماز باشد از خدای تعالی
بر وی سلام برسد که هرکه بخودی خود

بر عابد

از سر بر کیرند و بندکان با حشمت
داد او ح را از کتف درد بابند و معصومان
درکاه از سر در دنفسی نفسی کویند
و آتش عذاب در اهل عرصات افند و تو
از وی عدل در او بر نهی چنانکه خدای
در کلام مجید خود میفرماید که

وحضرت بهترین عالم
محمد مصطفی صلعم میفرماید که شبی جبرئیل
نزد من امد و کفت یا محمد چون حق
تعالی مرا بیافرید بجده هزار سال نماز و
عبادت کردم تا با من یکبار سخن
کفت بی کام و بی زبان و کفت

یا جبرئیل گفتم لبیک یا آفرید کار من
گفت من کیستم و تو کیستی گفتم تو خدای
منی و من بندهٔ ضعیف توام و بعد از آن
هیچ سخن نگفت تا هجده هزار سال دیگر
نماز و عبادت کردم پس آنکه ندا آمد که
یا جبرئیل گفتم لبیک یا خالق و پروردگار
من گفتم پس این یک قدم پیش نهادم
در سی و شش هزار سال ایزد تعالی در میان
و نی با من دو بار سخن گفت که جبرئیل
یا محمد از کرامت تو خدای تعالی در شبانروزی
پنج بار با تو و با امتان تو سخن میگوید
یعنی پنج نماز راست و راز با پروردگار

ومناجات

و مناجات با پروردگار و با جبار عالم
و اگر بنده دانستی که چه مقامی است و باکر
راز میگوید هرگز از چپ و راست ننگر
یستی مروی است از پیغمبر صلعم که هر که
نماز بامداد را با جماعت بگذارد و بنشیند
بجای خود تا آفتاب برآید چنان بود
که هزار حج و عمره کرده باشد و بنده
آزاد کرده باشد و چنان بود که هزار دینار
بصدقه داده باشد و خدای تعالی او را
ده چیز کرامت کند اول توبه پیش
از مرگ دوم برکت بروزی او کند
سیم تن او را سلامت دارد چهارم

در میان خلقش دوستکام کرداند
پنجم رنج تن از وی برداردِ ششم
بوقت مرگ کلمهٔ شهادتین بر زبان
اوجاری کرداند هفتم گور بر وی
فراخ کرداند هشتم نامهٔ اعمالش
بدست راست دهند نهم چون برق
از صراط بگذرد دهم ببهشت برسانند
و دیدار رسول صلی الله علیه و اله و
سلام کرامت کنند ایضا حضرت صلعم فرمود
که نماز بامداد از برای آسانی جان
کندن است و نماز پیشین از برای
قبول نیکیهاست و نماز دیگر از برای

امرزش بدیهاست و نماز شام از برای گذشتن
پل صراطست و نماز خفتن از برای
روشنایی ظلماتست و خدای تعالی
پنج وقت نماز را در کلام مجید خود
یاد کرده است و این پنج نماز امت را
یادگار است از پنج پیغمبر نماز بامداد از آدم
و نماز پیشین از ابراهیم و نماز دیگر از یونس
و نماز شام از عیسی و نماز خفتن از موسی
و سنت یادگار حضرت محمد مصطفی صلعم
و بدانکه نماز امر است از خدای عز و جل
و نماز راز است و نماز نیاز است و نماز
رکوع است و نماز سجود است و نماز

سر در دل مومنانست و نماز کار بهترا ست
و نماز روشنایی گور است و نماز شمع قیامت
نماز گذشتن صراطست نماز مونس لحد است
نماز خشنودی خداست نماز دوستی فر
شتگانست نماز نور معرفتست نماز دلیل
ایمانست نماز اجابت دعاست نماز پذیر
رفتن طاعتست نماز برکت روزیست نماز
صلاح دشمنانست نماز دور کردن
دیوانست از خود نماز چراغ گور است
نماز جواب منکر و نکیر است نماز مونس
شب تنهاییست نماز سایه قیامتست
نماز تاج سر مومنانست نماز پرده ی

آتش

آتش دوزخ است نماز حجت و سوالست
نماز گرانی میزانست و بدانکه در سالی هزار
و هشتصد بایک نماز است و هزار و هشتصد
قامت است و دوازده هزار و صد و
بیست و چهار رکعت نماز است شش هزار
و صد و بیست رکعت نماز فریضه است
و چهار هزار و پانصد و بیست رکعت
سنت است و هزار و هشتاد رکعت
وتیره است و هزار رکعت نماز نافله د
و چهار رکعت نماز هر دو عید است و بدانکه
در آمدن نماز و پیوستن به نماز تکبیر احرامست
و خطبه نماز فاتحه است و تمام نماز تشهد است

وسپردن نماز سلام است روایت کند
عبدالله عباس از پیغمبر صلعم که چون
روز قیامت خلایق جمع شوند ندا اید
که ای اهل قیامت بدانید که اهل سعادت
ما کیست وان کسانی اند که نماز بجماعت
بپا داشته اند برخیزید و ببهشت اندر
شوید انگه باز ندا اید که ای زنهای که در دنیا
بر کردانید و بطاعت مایل شده ایت
برخیزید و ببهشت اندر شوید و برخیزید
و در بهشت شوند پاره اتش از دوزخ
بیرون اید و او را دو چشم باشد و زبانی
و در میان خلق اید و بزبان فصیح کوید که

خدای

خدای تعالی مرا بر چهار کروه مردم فرستاده
است و کماشته است یکی بر انکسانی که اذان
صلوات همی شنوند و اقامت نمیشنوند
و بنماز جماعت حاضر نمیشدند اول بر
انکسانی که اواز بانک ~~سنت کرده اند~~ میشنوند
و بنماز جماعت حاضر نمیشوند دوم بر
انکسانی که ترک سنت کرده اند سیم بر
کسی که متکبری کرده بکسی چهارم
کسی که صورتکری کرده است و مانند
وافریده و خدای تعالی ایضا الخبر فرمود
که وای بر انکسی که روز قیامت مرا نبیند
و من او را نه بینم حضرت خدیجه بکریست

وگفت یا رسول الله آن کی باشد گفت ترک
کننده نماز جماعت و جمعه شفاعت ما در
نیابد و گفت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
هر که نماز جماعت ترک کند خدای تعالی
او را بدوازده چیز مبتلا کرده اند ۱
ترکه از روزی بود دارد ۲ سیماب
دوستی بود دارد ۳ خلق را بروی
دشمن کرده اند ۴ بوقت مرگ کار
بروی دشوار کرده اند ۵ از دنیا
گرسنه و تشنه بیرون رود ۶
بوقت مرگ زبانش گران شود ۷
بجواب منکر و نکیر در ماند ۸

گورش

گورش تاریک و تنگ کرده اند ۹ پس از
مرگ کسی براو دعا نکنند ۱۰ خشم
خدای تعالی او را در یابد ۱۱
حساب براو دشوار بود ۱۲
عقوبت وی چون عقوبت کافران
بود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
گفت بشارت باد آن کسانی را که در شب
تاریک بسوی راه مسجد روند که
خدای تعالی ایشان را در ظلمات قیامت
نوری تمام بدهد روایت کنند
از رسول صلی الله علیه و آله و سلم
که گفت چون صبح صادق بدمد واه

بسجده در آیند خدای تعالی گوید ای
فرشتگان من نظر کنید بسوی بندگان
که اختیار کرده اند امر مرا و بر خواب
بگزیده اند فریضهٔ مرا بجماعت ادا میکنند
بعزت و جلال من که نسوزانم ایشانرا
باتش دوزخ ای فرشتگان من بیافرینه
ام خلق که نماز بامداد درست بجماعت
بگذارد و بر جای خود قرار گیرد تا آفتاب
بر آید آمرزش خواهند فرشتگان آسمان
و زمین او را روایت کند امیر المومنین
علی ع از رسول صلعم که چون بندهٔ مومن
بنماز برخیزد و بگوید الله اکبر از گنا

پاک

پاک شود و چون اعوذ بالله من
الشیطان الرجیم بگوید چهار هزار
نیکی در نامه اعمال او کنند و چهار هزار
بدی محو کنند و چهار هزار درجه اش بلند
بکنند و چون الحمد بخواند چنان
بود که حج و عمره کرده باشد و چون
سبحان ذی العظیم بگوید چنان
بود که کتابها که خدای تعالی بر ایشان
فرستاده است خوانده باشد و چون
سر از رکوع بر دارد سمع الله لمن حمده
بگوید نظر کند خدای تعالی بسوی او برحمت
و مغفرت چون سجده کند بعدد هر بنده

که افریده است مر او را اینکی نویسند و چون
سبحان ربی الاعلی بگوید بر هر سوره
و آیتی که در قرانست ثواب ازاد کردن
بنده نویسند که از مال خویش ازاد
کرده باشد و چون تشهد بر خواند خدای
تعالی هشت در بهشت بر او بگشاید
و چون سلام باز دهد خدای تعالی
او را ثواب صابران کرامت کند الهی
جمله امت محمد صلعم را توفیق ده بحق
النبی و آله اجمعین
عن جابر رضی الله عنه قال قال
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم

من اعان تارک الصلوة بشیء
فکانما قتلنی وقتل جمیع الانبیاء الف
مرة ومن کشاعر یا نا من تارک
الصلوة فکانما هدم الکعبة
الف مرة صدق رسول الله صلعم جابر
بن عبد الله انصاری روایت
میکند از حضرت رسول صلعم که هر که
یاری کند تارک الصلوة را یعنی بی نماز
را چیزی بدهد چنان بود که رسول
مرا کشته باشد و چنان بود که جمیع
پیغمبرانرا کشته باشد و هر که بی نماز را
بپوشاند چنان بود که کعبه را ویران

کرده باشد وهرکه شربتی اب بدست بی
نمازی بدهد چنان بود که با مادر خود
زنا کرده باشد رسول صلعم فرمود من احرق
سبعین ملکا مقربا او مصحفا وزنا
سبعین بکرا وقتل سبعین ملکا مقربا
اقرب النجاة من تارك الصلوة
حضرت رسول صلعم فرمود اگر کسی
بسوزاند هفتاد مصحف او زنا کند
هفتاد دختر بکر را و بکشد هفتاد
فرشته مقرب را هنوز نزدیکتر بود
بخدای تعالی از بی نماز که هرگز نجات نیابد
روایتست از رسول صلعم که هرکه نماز

باید

بامداد ترک کند چنان بود که قران
از و بیزار باشد وهرکه نماز پیشین ترک
کند فرشتگان از وی بیزار باشند وهرکه
نماز عصر ترک کند چنان[2] ایمان از او
بیزار باشد وهرکه نماز خفتن ترک کند
خدای تعالی از وی بیزار باشد قال النبی
صلی الله علیه واله وسلم سلموا
علی الیهود والنصاری ولا تسلموا
علی الیهود من امتی قالوا یا رسول
کیف یهود امتك قال ان
یستمع الاذان والاقامه ولم
یحضر الجماعة صدق یا رسول الله

بود که پیغمبران از و
بیزار باشند وهرکه
نماز شام ترک کند

رسول صم گفت سلام کنید بر جهود
و بر ترسا و سلام مکنید بر جهود امت
من گفتند یا رسول الله جهود امت
تو کیست گفت آنکه بانگ نماز بشنود
و بجماعت حاضر نشود و امر حق تعالی
بجای نیارد قال رسول الله صلی الله
علیه و آله سلم تارک الصلوت
والجماعة ملعون فی التوریة والزبور
والانجیل و عزرائیل و اسرافیل و علی
لسان محمد صم و رسول صم گفت که
ترک کننده نماز بجماعت ملعونست
در توریة و زبور و انجیل و فرقان

والفرقان وملعون
علی لسان جبرئیل
ومیکائیل

وملعون

وملعونست بزبان جبرئیل و میکائیل
و عزرائیل و اسرافیل و بزبان محمد صم
ملعونست **منقولست** از موسی عم
که روزی بدریای در گذشت ماهی بسیار
دید در عذاب گفت بار خدایا خواهم
بدانم که عذاب ماهیان دریا از چیست
ندا آمد که یا موسی عصا بر دریا زن
موسی عصا بر آب دریا زد و ماهیان با
موسی در سخن آمدند و گفتند بدانکه
شخصی را در کشتی دندان درد میکرد
و وقتی نماز بود دندان وی را کندند
و بدریا انداختند و ماهی آن دندان

فرو بود و سبب همسایگی آن ماهی مارا
این عذاب میکنند هرگاه که دندان
بی نمازی را ماهی فرو برد عذاب او
با ماهیان دیگر رسد پس وای بر آن
بی نمازان و وای بر آن کسی که در
همسایگی او بی نماز بوده باشد و وای
بر آن گورستان که بی نمازی را در آنجا
دفن کنند قال النبی صلعم الصلوة
عماد الدین فمن اقامها فقد
اقام الدین ومن ترکها فقد
هدم الدین یعنی نماز ستون
دین است هر که بپای داد دین بپای داشته
باشد

باشد و هر که ترک کند نماز را دین خود را
ویران کرده باشد روایت کنند
از رسول صلعم که گفت چون روز قیامت
شود خدای تعالی کژدمی را از دوزخ
بیرون آورد و نام آن کژدم
جریش باشد و سر آن کژدم تا با آسمان
هفتم رفته باشد و دم آن تا بزمین
هفتم و دهان او از مشرق تا مغرب
باشد و چون کژدم در میان خلایق
آید و بآواز بلند گوید که خدای تعالی
مرا فرستاده است تا شش طایفه
را از میان جمع شما برچینم و برسانم

خود فروبرم وعذاب بسیار بدیشان
دهانم ان حدیث ان شش طایفه را
از میان جمع ایشان برچینند همچون
که مرغ دانه برچینند اول طایفه
بی غازان باشد دوم طایفه که بخیل
باشد که زکوة مال نداده باشند سیم
طایفه خمّاران باشد که بی توبه از دنیا
رفته باشند چهارم طایفه ان باشد که
صورت نکوی کرده باشند ومانند
افریده خدای تعالی صورت کرده
باشند پنجم طایفه ان باشند که
حساب دنیا را در مسجد راست کرده
باشند

باشند ششم طایفه آن باشد که زنا
کرده باشند عبدالله عباسی گوید
در معنی این ایه که خدای تعالی وسارعوا
الی مغفرة من ربکم یعنی
بشتابید بتوبه از دنیا خوردن که دنیا
خوردن نقصان دینست بدانکه چون
شخصی دنیا خوار را در گور نهند روی
او را از قبله میگردانند وچون روز
قیامت از گور برخیزند سیاه روی
باشد وچون روز جمله مردمان را
برانگیزند بشتاب همی روند ودنیا
خواره انچه از دنیا خورده باشد همه در شکم

او جمع شود وچون خواهد که برخیزد
بوزد وبروذ نتواند رفت همی افتد و همی
خیزد و در سرا و جمله خلایق جمع شوند
و ندا انکه رباخوارکان فکر کنند وکویند
خدای تعالی خرید و فروخت را حلال
کرده است و ربا حرامست چنانکه
در کلام مجید فرمود اَحَلَّ اللهُ البیعَ
وحَرَّمَ الرِّبا تا بدانید که بیع حلالست و ربا
حرامست وهم بیع رباخوار حرامست
وانکه ده درم را یازده درم میستاند
رباست و بیع مکر حلال نمیشود و هر که
حلال بداند کافر بود روایتست

از امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه
السلام که پیغمبر صلعم گفت که خدای تعالی لعنت
لعنت کرده است رباخواره را و ربا دهنده
وانکس که بنویسد وانکس که بدو گواه
باشد و رباخواره را هفتاد و دو گونه عذاب است
کمترین عذاب ان بود که با مادر خود
زنا کرده باشد دانکه قوله تعالی
یا ایها الذین امنوا لا تاکلوا الربا اضعافا مضاعفة
خدای تعالی میفرماید که ایکسانی که
ایمان آورده اید مخورید ربا نه اندک نه
بسیار و بترسید از خدای تعالی و مکر
مکنید تا برهید از انچه میترسید و بیابید

از انچه می جویید روایتست از پیغمبر ص
که گفت دور باشید از رشوت ستانندن
که رشوت دهنده وستاننده هر دو بد
دوزخ خواهند رفت وهم فرمود که مال
مسلمانان بستم مخورید ومال فرزندان
کان مخورید وپیرامن مال یتیم مگردید
که خدای تعالی در کلام مجید خود فرمود که
إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى إِنَّمَا يَأْكُلُونَ
فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا

ومعنی این ایه چنین است
که انکسانی که بخورند مال یتیمانرا بستم
حقا که ایشان اتش دوزخ همی

خورند

خورند واندر شکم هاشان اتش بود
و روز بود که باتش بسوزند وگفته اند
که از اتش دوزخ ایشانرا بدهند بعدد
مال یتیم که خورده باشند ودر شکمها
شان اتش کردد واتش از دهان
وبینی وگوش وبیش وپس ایشان
بیرون همی اید وبا ایشان بود عذاب
دردناک قوله تعالی وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ
الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
وپیرامن مال یتیم مگردید مگر بدان
جهت که نیکویی کنید ومحافظت
نمایید تا بجایگاه بزرگان رسید

وهر که توانگر بود پرهیز کند وهر که
درویش بود بمعروف خود را دور
دارد و بمال یتیم حاجتش نباشد،
وهیچ کس را روا نیست که از کوزهٔ
یتیم آب بخورد و گروهی روا دارند
که وصی از مال یتیم بمقداری که رنج
بوده باشد و کار یتیم کرده باشد
حق سبحانه وتعالی سعی خویش برگیرد
وگروهی گفته اند که روا نبود که یتیم
را کار فرمایند واز مال وی تصرف
کنند تا بالغ شود وگفته اند تا پنجه
ساله شود ~~این وصی وقیوم~~

٤٣ وگفته اند بیست وپنج ساله شود وگفته
اند تا سی ساله شود واین وصی وقیوم
را همی فرمایند که اندر مال یتیم بر نیکوترین
روی تصرف نماید واگر مال یتیم بفروشند
بزیان نقص شد واگر بخورد چنان خورد
که بزیادت باشد ومرگ بشنود گوید
که یتیم را بهتر افتاده وباید که مال
یتیم را بوام بکسی ندهند مگر چنانکه
بمرد امین دهند که تجارت کنند
وهرچه سود کنند بعضی را به یتیم دهند
وبعضی را برگیرد واز اصل مال یتیم
کم نکنند کفت حق تعالی

رحمت کناد بر انکس که یتیم را بکسی
دهد که تا او را علم مسلمانی همی اموزد
وکفت بهترین خانه در مسلمانان آن
بود که دران جا یتیم باشد که او را نیکو
دارند و بدترین خانه آن بود که در
انجا یتیم باشد واو را نیکو ندارند
پس انکه حضرت رسول دو انکشت
مبارک بهم باز نهاد وکفت بدانید
که من وانکس که یتیم را نیکو دارد
همچنین دو انکشت باشیم در بهشت
وفرمود که در شب معراج حیوری
بر در بهشت نوشته دیدم که هر

حیوری

اکر [illegible] وقت به [illegible] فیا [illegible]
[illegible] ه علی [illegible]
[illegible]

حیوری را ارایش ایست واو ارایش ایمان
چهار حیز است اول دست بر سر یتیم فرود
اوردن دوم بیوه زن را دست بلند بر سر
داشتن شکسته دل دادن ومرد کار
افتاده را دست کرفتن ودست بر سر یتیم
در مالیدن وکفته اند هر که دل یتیم و
بیوه زن را بدنجا نچنانکه بود که برد
بران کردن کعبه سعی کرده باشد
وهر که یتیم وبیوه زن را نوازش کند چنان
بود که خانه کعبه را عمارت کرده باشد
ایضا آنحضرت فرمود هر که یتیم را برنجاند
ویا بکریاند عرش خدای تعالی را برنجانیده

ولرزاننده باشد و تا قیامت شاد نشود و
قرار نگیرد عرش ساکن نشود و گفت
چهار قوم اند که خدای تعالی در قیامت
بدیشان ننگرد اول کسی که بر یتیم ستم کند
دوم سلطان ظالم و دروغ گوی
سیم درویش متکبر و لاف زن
چهارم مردی پیر که زنا کرده باشد
حضرت رسول صلعم فرمود که عرض
کردند بر من چهار گروه را که ایشان
در دوزخ باشند و سه گروهند که
ایشان در بهشت شوند اول شهیدان
باشند دوم دوم خریدگان که بنده گی

بند

بندگان کرده باشند و بطاعت خدای
تعالی مشغول بوده باشند سیم درویش
پارسای خداوند عیال اما آن سه
گروه که در دوزخ شوند پس از همگی
اول امیری باکه ثابت و ناشایست
درویش او برابر بود دوم توانگری
که زکوة مال باز گیرد سیم درویش
ناسپاس که بد بد باشد و هم چنین
گویند که خدای تعالی سه گروه
را دشمن دارد و بر سه گروه مرا دشمنتران
ان اول فاسق را دشمن دارد و
پیر فاسق را دشمن تر از آن دوم

بخیل را دشمن دارد و توانگر بخیل را د[شمنتر ازان]
سیم متکبر را دشمن دارد و درویش
متکبر را دشمنتر ازان و ان سه گروه
را که دوست دارد و سه گروه را دوست[تر]
ازان اول پرهیزکار را دوست دارد
و جوان پرهیزکار را دوستتر ازان دوم
سخی را دوست دارد و درویش سخی را د[وستتر]
ازان سیم تواضع کنان را دوست
دارد و توانگر با تواضع را دوستتر ازان
ایضا الخبر فرموده که پنج طایفه اند
که خدای تعالی با ایشان بخشم [است]
و قرارگاه ایشان دوزخ خواهد بود

وا

خواهد بود و الحنان بود که از ایشان
~~ارهایی بنا شد~~ هر یکی را در خانه
کنند و دران خانه آتش دارند ف
ایشان اژدهایی بنا شد و اوان یکد
یکر نشنوند و هیچ چیز نه بینند جز آتش
دوزخ اول امیر قومی باشند که حق
خویش را از رعیت الله بستانند و انصاف
ایشان از خود ندهند دوم رئیس
قومی باشد که ایشان وی را طاعت دارند
و او درمیان قوی و ضعیف را تفاوت کند
نکند و سخن بمیل گوید سیم جهودی
که زن و فرزند خود را طاعت خدای

تعالی فرماید وکاری دینی بایشان
بیاموزد و باک ندارد که ایشان را طعام
از کجا میدهد که حلالست یا حرام
چهارم شخصی که مزدوری کند وان
مزدور کار را تمام کند ان شخص مزد
وی ندهد پنجم مردی که در کابین زن
خود ظلم کند و گوید که کابین دادن
نیست الهی جمیع امت محمد را از خواب
غفلت بیدار کن بحق محمد واله اجمعین
روایت کند ابراهیم محمد ابن فضیل
و اسمعیل ابن حکیم رحمهم الله تعالی
از سعید که خدای تعالی گروهی را

بگنا

بگناه گروهی عذاب نکند قوله تعالی
وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرَی
یعنی هیچکس را بگناه دیگری نگیرند
لیکن چون معصیت میان ایشان
اشکارا شود صالحان ایشانرا از
معصیت باز ندارند عقوبت خدای
تعالی همه را در یابد چنانکه ایزد تعالی بر شعیب
به یوشع بن نون علیه الرحمه وحی
کرد و گفت من از قوم تو صدهزار را
هلاک خواهم کرد که از آن صدهزار چهل هزار
کس گنه کار باشند و دیگران بی
گناه یوشع ع گفت بارخدایا بیگناها

سبب هلاک نمودن چیست ایزد
تعالی فرمود که با گناه کاران همنشین
گشته اند و با ایشان طعام خورده اند
واز بهر رضای من از ایشان خشمگین
نمیشدند بدین سبب بلا با ایشان
نازل خواهد شد روایت کند قتاده
رضی الله عنه که روزی در مکه در حرمت
حضرت رسالت پناه صم آمد گفت پیغمبر صم بودم
که شخصی بخدمت حضرت صم آمد و
گفت یا محمد از کارها کدام خوشترست
بنزدیک خدای تعالی گفت پیوسته
رحم کردن و دیگر امر معروف بجای

اوردن

اوردن و خود را از منکرها باز داشتن
و دیگر گفت یا رسول الله نزد خدای
تعالی از کارها کدام دشمنتر است
پیغمبر صم فرمود که انباز و شرک گرفتن
با خدای تعالی و باز گفت دیگر کدامست
فرمود که باز ایستادن از امر معروف و نهی
از منکر ایضا آنحضرت فرمود که اگر قومی
ببینند که کسی معصیت بکند و ایشان
او را از آن باز نتوانستند داشت و او را
دران معصیت بگذارند خدای تعالی
جمله را هلاک کرده اند و اگر قومی
یکی را از معصیت باز دارند و او

باد نهی ایستد و میگوید که مراد کور
تو نخواهند کناشت و اگر ان قوم بدین
سخن دست از وی بدارند و گویند که راست
میگوید ان شخص کافر بود و ان قوم
بعقوبت گرفتار شوند پس گوییم که اگر کسی
امر معروف کند باید که ان از بهر خدا
بود و بدان عزیز کردن مسلمان بود
وامر معروف بچهار نوع کنند اوّل
بدست دوم بزبان سیم بدل چهارم
بپای فامّا بدست بزند و اگر نتواند
بزبان خوش بگوید و اگر نتواند بدل
نگاه دارد و اگر بدل نمی اید بپای

حلای

حلای وطن کنند قوله تعالی اَتَأمُرُونَ
الناس بالبرّ و تنسون انفسكم
یعنی آیا مردمان را به نیکی راه مینمائید و
خود فراموش میکنید حضرت رسول صلعم
فرمود که شب معراج قومی را دیدم
که لبهای خود را بناخن آهنین میبریدند
گفتم یا جبرئیل اینها کیانند گفت
خطیبهای امت تواند که مردمان را
خیر و طاعت میفرمودند و خود
فراموش میکردند روایت کنند از
رسول صلعم که گفت خدای تعالی
را بهشت ایست که انرا نعیم گویند

فردوس خوانند واندران فردوسی کوه هست
که آن کوه را نعیم گویند و دران کوه
کوشکی است که انرا کوشک شادی خوانند
وان کوشک را صد در است میان
هر دری تا بدری پانصد ساله راه است
و باز نگشایند درها را مگر بوقت
آواز قلم عالم یا بوقت بانگ طبل
غازی و آواز قلم عالم فاضلتر است
بنزدیک اواز هزار طبل غازی
بنزدیک خدای تعالی فاضلتر از
عبادت هفتاد ساله که روز بروزه
و شب بنماز بود و جمله طاعتها در

صد غزا

چنب غزا چون قطره ایست در دریا
و غزا چنب امر معروف و نهی منکر
چون قطره ایست در دریای
روایت کنند از رسول صلعم که هفت
گروه‌اند که پس از مرگ ثواب نویسند
یکی آنکه مسجد بنا کند تا دران مسجد
نماز بگذارند او را ثواب می نویسند
دوم آنکه چشمه یا کاریز یا جوی
کند تا از انجا آب میخورند و منفعت
میگیرند سیم کسی که قرآن می نویسند
تا دران مصحف قرآن میخوانند او را
ثواب بود ثواب می نویسند چهارم

کسی که صنعت نیکو نهد در میان
خلق تا بدان کار همی کنند و او را ثواب
می نویسند پنجم کسی که درختی بنشاند
تا مادام که از ان میوه میخورند و منفعت
میگیرند او را ثواب می نویسند ششم
کسی که مرد مانرا علم اموزد تا بدان
علم کار همی کنند او را ثواب همی نویسند
هفتم انکه او را فرزند صالح بود با علم
و عمل و پدر خود را دعا بکند و امرزش
همی خواهد رحمه الله علیه
که قدر چهار چیز ندانند مگر چهار گروه
اوّل قدر جوانی کسی نداند مگر پیران دوم

قدر تن درستی نداند مگر بیماران سیم
قدر عافیت ندانند مگر خداوندان بلاء
چهارم قدر زندگانی ندانند مگر مرده
کان گوید رحمه الله که عالم چنان
باید که از سه چیز فراموش نکند اوّل نیست
شدن دنیا دوم گشتن حالها سیم
باید از مرگ فراموش نکند
رحمه الله علیه که هر که مرگ را بسیار یاد کند
خدای تعالی او را سه چیز کرامت
کند اوّل توبه کردن بزودی پیش از مرگ
دوم خرسندی بقوت اندک سیم
نشاط کردن در عبادت و هر که مرگ

را فراموش کند ایزد تعالی اورا بسه
چیز مبتلا کند اول توبه را فراموش
کند دوم انکه دلم خرسند بود بدادن
خدای تعالی سیم انکه در عبادت
کاهل کرداند روایتست کی شخصی بخدمت
حضرت رسول صلعم امد وکفت مرا پندی
ده کی دلم خرسند کردد در دنیا انحضرت
فرمود که از نعمتهای دنیا ایمان
بسند بیه تراست واز راحتهای دنیا
قرآن واز شغلهای دنیا نماز واز
عیشهای دنیا مرک مرویست از حضرت
فرمود که غنیمت دارید پیش از پیری
جوانی را
غنیمت

غنیمت دار وتن درستی را پیش از
بیماری غنیمت دار وفراغت را پیش
از مشغولی غنیمت دار وتوانکری
را پیش از درویشی غنیمت دار وزند
کانی را پیش از مرک کفتند یا رسول الله غنیمت دار
بهترین مردمان کیست کفت انکه پنج
خصلت موجود باشد اول انکه
بعبادت خدای تعالی مشغول باشد
دوم انکه خلق خدای را ازو منفعت
باشد سیم انکه مردمان از شر او ایمن
باشند چهارم انکه طمع او از مردمان است
بریده شود پنجم انکه مرک را اراسته دارد

از خواجه ابو سهل روایت کنند که گفت
مردمان که بسبب ایشان بلا از اهل
زمین بگردانند کسانی اند که از نفس
خود غافل نباشند و از ذل خود غافل نباشند
یعنی احوال اوقات خود را بازمیجویند
اگر بزیادتی باشد بشکر مشغول کردند
و تقصیر اندک را باندک ندادند که اندک
کی هست که بباد میکرد روایت
ابو سهیل گفت حلاوت ایمان بیند
انکس که دست از پنج چیز باز دارد
اول جنگ در عت قنا زند و از شهوت
دست باز دارد و جنگ در صلاح نفس
فراغ
درعلم زند و از حرام شهوت دست باز دارد و جنگ
واز

واز سهوت دست باز دارد و جنگ
در صدقه زند و از غیبت دست باز دارد
و جنگ در حلم زند و دست از تندی باز
دارد روایست ابن عباس گوید روایت
کند که اندر بهشت حوریست که او را
لعبت خوانند اگر آن حور آب دهن
در دریا اندازد همه آب دریا چون
انگبین گردد و بر سینه وی نوشته
است که از آن کسی بود که از ناشایستها
دست باز دارد در فرموده است که
کافران جاوید در دوزخ خواهند
شد و اگر کسی گوید که قران سخن

ایله در عزت نازل
جهان غره بشو

ایله در عزت نازل
جهان غره بشو

خدا نیست کافر شود واگر کسی گوید
که بیغمبر طعام خوردی و کاسه بانگشت
بلیسیدی چنانکه انگشت الخصرت
سرخ شدی اگر دیگری خنده کند
کافر شود واگر کسی بطریق طعنه بکسی
گوید که سبلت خود کرفته کافر شود
زیرا که سنت رسولست واگر کسی
کلمهٔ شهادت گوید وقران خواند
دیگری بروی افسوس کند بیم بود
که کافر بود واگر کسی را گویند که غاز
کن وامر حق بجا آر اگر گوید که نمیکنم
بیم بود که کافر شود کند

که روزی

۳۱

وی چون درجهٔ صدیقان بود چهاردهم
چهارده کس را بد و بخشند اول مادر
پدررا دوم پدرشرا سیم استادش را
چهارم برادرش را پنجم خواهرش را
ششم عمش را هفتم خالش را هشتم
همنشینش را نهم تابعانش را دهم
همصحبتش را یازدهم همسایگانش را
دوازدهم فرزندانش را سیزدهم بندگانش را
چهاردهم ورا آلکناه در پناه خویش نگاه
دارد اول از خمر دوم از زنا سیم از بدبختی
چهارم از ضلالت پنجم از دلسیاهی
ششم از نباهی هفتم از غیبت هشتم

از چهارده

تمت الکتاب ...

از بیهوده گفتن دهم از مذلت یازدهم
از خواری یاد دوازدهم از صود تکری سیزدهم
از گناه صغیره و کبیره چهاردهم نظر از حرام
چهاردهم چهار هزار نظر عنایت و رحمت بر
خواننده قل هو الله احد کند و رسول
صلی الله فرمود که هرکه یکبار قل هو الله
احد بخواند او را هفتاد هزار فرشته
بهشت گواهی دهند وگفت هرکه بعد از
نماز دیگر ده بار قل هو الله احد بخواند
خدای تعالی او را مومن از دنیا بیرون
برد وگفت هرکه بعد از نماز بامداد دوازده
بار این سوره را بخواند چنان بود که چهل

بار

که روزی رسول صلعم بخانه کعبه درآمد
وگفت بدان خدای که جان محمد بفرمان
اوست که حرمت یک مؤمنی را داشتن
بنزدیک حق سبحانه و تعالی بزرگتر از
حرمت منست و بدانکه خون مومن
ریختن حرامست و مال مومن خوردن
یا گرفتن حرامست و تن مومن آزردن
حرامست و بر مومن گمان بد بردن
حرامست
علیه السلام
گوید در معنی این آیه که خدای تعالی گفت
اتقیکم یعنی متقی آنکس است که دل
از همه خلق بریده دارد و توکل بر خدا

داردوزبان خودرا از ناگفتنیها نگاه
داردو سخنانی که ازان کفر واقع شود
یا بیم کفر واقع شود خدایرا نگوید واگر
گوید طاعتی که کرده باشد تباه شود بنده
باید جهد کند تا کفر نگوید وکفر آنست که خدا
یراشریک وانباز گوید یا یک آیهٔ قرانرا
منکر باشد یا حدیث پیغمبر را منکر باشد
روایت کنند از امیر المومنین علی ابن
ابی طالب ع که گفت هر که خودرا از هفده
چیزی که گناه کبیره است نگاه دارد خدا
تعالی گناهان صغیره بتوبه ازو
باز دارد و بر بخشد ۱ شرک آوردن ست

بخدای

۱۲۳۴۵۶۷۸۹
۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵
۵۵

بخدای تعالی ۲ اضرار است ۳
نا امیدی از رحمت خدای تعالی
۴ ایمن بودن از خشم خدای
تعالی ۵ خمر خوردن و مصر بودن
بران ۶ مال یتیم خوردن است
۷ ساحری کردن ۸ گواهی
دروغ ۹ قذف محصل یعنی دشنام
دادن به نیکوکار ۱۰ سوکند دروغ
دادن دوازدهم دزدی ۱۱
خون ناحق ریختن ۱۲ زنا
۱۳ لواط ۱۴ روی از
کافر گردانیدن ۱۵ عاق شدن

هفتم ربا خوردنست

در مادر و پدر و هر که خود را از گناه کبیره
نگاه دارد امید هست که خدای تعالی
گناهان صغایر او را بیامرزد
روایتست از رسول صلعم که خیانت
کردن و حسد بردن نیکیها را بخورد
چنانکه آتش هیزم را و بعضی از حکما
گفته اند که حسد اول گناهست که بدید
آمد در زمین اول گناهی که در آسمان
بدید آمد حسد ابلیس بود که بر آدم
حسد برد و آنکه در زمین بدید آمد
حسد بردن قابیل بود که بر برادر
خود حسد برد و بکشت و هر که

حسد

حسد کند بر کسی خدای تعالی او را با آن
دو کس در دوزخ کند
علی ابن ابی طالب ع در حق حسود
فرموده است که الحاسد مغتاظ علی
من لا ذنب له هست مرد حسود
خشم آلود بر کسی کو نکرد هیچ گناه
نعمت خلق دید نتواند رنجه باشد
ز اصطناع اله بزرگی دیگر گفته است
که توانم آنکه نیازارم اندرون کسی
حسود را چکنم کو ز خود برنج در است
بمیر تا برهی ای حسود کین رنجیست
که از مشقت آن جز بمرگ نتوان رست

بدانکه حسد ناخیست از بخیلی و بخیلی ان
بود که انچه در دست وی بود از دیکران
دریغ دارد وانکه حسد بخیلی کند بر چیزی
که خدای تعالی داده باشد بکسی بخیلی
او عظیم تر بود و کویند که طاعت سه
طایفه قبول نیست اول حسود دوم
حرام خوار سیم غیبت کننده
حضرت فرمود که هرکه برادر مسلمانرا
غیبت کند چنان بود که کوشت وی مرده خورده
باشد کفت که در مسجد آدینه
نشسته بودم و قومی پیش من بودند یکی
را غیبت کردند و من نیز با ایشان
بار

نهاد و بجورد و شیرین تر از انکبین بود
پس انکه شکر خدای تعالی کرد و برفت تا او
را طشت زرینی پیش امد کفت مرا فرموده
اند که انرا پنهان کن پس زمین بکند وانرا
پنهان کرد و چون بازکشت طشت را دید
در روی زمین امده بازکشت دیکر انرا
پنهان کرد و چون بازکشت طشت را
دید باز بر روی زمین امده پس از و
بکذشت تا او را مرغی پیش آمد و کفت
ای پیغمبر خدای مرا بفریاد رس پیغمبر
دست دراز کرد و مرغ را در آستین خود
جای داد و میرفت تا بازی پیش امد

وگفت ای پیغمبر خدای من گرسنه ام واین
مرغ صید منست مرا نا امید کردی
پس پیغمبر کارد بیرا بر کشید و پاره
گوشت از ران خود جدا کرد و بدو داد
تا بخورد و میرفت تا او را پیش مرادی
وگنده که همه جهان از وگمند گرفته
بود چون او را بدید از وی بگریخت
و بجای خویش رفت دعا و زاری کرد
وگفت بار خدایا آنچه بنده را فرموده
بودی بجای آوردم اکنون بنده را
بنمای که معنی این چیزها چیست
پس در آن شب بخواب دید که او را

میگویند

میگویند که آن کوه سیاه بزرگ خشمی
بود چون آهستگی کردی فرو خوردی
بتو عیان گشت اما آن طشت زدین عمل
بشکست که پنهان نتوان کرد سیم که ترا
پیش آمد شاید بود آن سخن که تو ابش امد
مردار بودن غیبت است از وی
۱۰ حذر باید کرد تا بعذاب هر دو جهان
گرفتار نکردی
از زنا بدتر است با وجود که در زنا شش
خصلت بد است سه در دنیا و سه
در آخرت اما سه خصلت بد
که در دنیا باشد ا انکه رو بشی

بروی بیفزاید ۲ انکه عمرش نقصان
بود ۳ در دنیا کم بها بود یعنی بی
آب روی شود اما سه خصلت که در
آخرت بود ۱ انکه خدای تعالی
بروی غضب کند ۲ انکه حساب
وی بدشواری کنند ۳ انکه اورا
در دوزخ اندازند با این همه که عذاب
زناکار را خواهد بود الهی بحرمت
محمد مصطفی که جملهٔ امت محمد را از
غیبت و زنا کردن و حسد بودن
نگاه دار و بر همه پیش از مرگ توبه
ارزانی دار و بر همه رحمت کن یا الله

العا

بار خدایا مرا وصیت کن خدای تعالی
گفت ترا وصیت کنم بمادر و پدر تو
کنند که مردی بخدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم در آمد و گفت
میخواهم که بروم پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود
مادر و پدر تو در هستند مرد گفت
بلی حضرت بهترین عالم فرمود که
غزای تو بفرمان ایشانست
رحمه الله علیه از پدر و از جد
خود که ایشان روایت کردند از
پیغمبر صلی الله علیه وسلم که نیکوئی با مادر و پدر
بکنید و بعد از ایشان هر که شماند

بکبیر بود ودیکر فرمود که ایزد تعالی
فرموده است بطاعت داشتن مادر
و پدر چنانکه در کتاب خود میفرماید
تمارا الا ایاه وبالوالدین احسانا
الا تعبدوا یعنی طاعت داد پدر
مرا بدانچه فرمودم و نیکویی کنید با
مادر و پدر معنی این ایت انست که
انچه تمارا فرماید قوله تعالی
واخفض لهما جناح الذل من
الرحمه وقل رب ارحمهما کما ربیانی
صغیرا ایزد تعالی میکوید که
یعنی مهربان باشید بر مادر و پدر

ودعا

ودعا کنید وامرزش خواهید ایشانرا در
حال هر چند که زنده باشند واز پس ایشان
بکویید یا رب تو بیامرز ایشانرا چنانکه
مارا پرورده اند بخوردی تا بزرگ شدیم
کفت رسول صلعم که هر کسی که نافرمان
مادر و پدر بود اکر همه طاعت اهل زمین
بکند جای او دوزخ بود و هر که با مادر
و پدر نیکویی کند هر چند که فاسق و کنه
کار باشد در دوزخ نخواهد شد و حق
تعالی بواسطه مادر و پدر رحمت خواهد
کرد و خدای تعالی رضای ایشان در
رضای خود نهاده است

جنت که رضای مادرانست زیر کف
پای مادرانست خواهی که رضای ما بجوی
ان کن که رضای مادرانست هر که
مرا دعای مادر کیرد آتش بدل ودیده
مادر کیرد روزان وشبان دعای
مادر کویم باشد که یکی دعای مادر کیرد
روایت کند امیر المومنین علی ابن ابی
طالب ع از حضرت رسالت پناه که فرمود
آمده است در تنزیل سه ایه متواصل
یکی آنست که ایزد تعالی فرموده
اطیعوا الله واطیعوا الرسول گفت طاعت
داد بدمرا و رسول مرا اطیعوا الله بالفرایض

واطیعوا الرسول بالسنن پس هر که
فرایض خدای تعالی را بجای بیاورد
و ترک سنت رسول نکند ای عذر خدای
تعالی فرایض او را قبول نمیکند و دیکر
ایه انست که قوله تعالی واقیموا الصلوة
واتوا الزکوة گفت نماز بپای دارید
و زکوة مال بدهید یعنی هر که نماز کند
و زکوة مال نمی دهد خدای تعالی نماز ازوی
قبول نمیکند و دیکر آیه اینست که قوله
تعالی ان اشکر لی ولوالدیک گفت
شکر کنید مرا و مادر و پدر خود را و هر که
خدای تعالی را سپاس داری کند و

فرمان مادر و پدر نبرد خدای تعالی
از راضی نباشد   که از سلطان
بایزید رحمه الله علیه می پرسیدند که ابتدای
کار تو چون بود گفت سه ساله بودم
که حلاوت طاعت بمن رسانیدند
و شبها از سودای عبادت خوابم
نیامدی تا شبی مادرم گفت ای پسر
امشب سرمای عظیم است چه باشد
که بموافقت من بخسبی و آرام گیری
مرا این سخن دشوار آمد اما مخالفت
سخن مادر نتوانستم کرد با او موافقت
کردم و بخفتم و از این پهلو بآن

پهلو

میکشیدم و خوابم نمیبرد و آن شب
ده هزار سورهٔ اخلاص برخواندم
و یک دست در زیر پهلوی مادر کرده
بودم دستم بدرد آمد صبر میکردم
که خون در دستم بمرد با آن همه مادر برخواست
دستم از کار رفته بود مادرم چون بدید
جزع و فزع کرد و گفت خدایا این
فرزند مرا در دو جهان نیک نام کردان
گفتند این همه حشمت و کرامت از چه
یافتی گفت از دعای مادرم
خواهی که خدای از تو خشنود شود   سرمایهٔ
عمر تو همه سود شود   در بند رضای

پدر و مادر باشی تا جمله گناه بوده
با تو بخشوده شود گویند که مردی بخدمت
پیغمبر صم آمد و گفت مادر پیری دارم
بقوت و بدست طعام در دهن
او میکنم چه گویی حق وی گزارده باشم
یا نه پیغمبر صم گفت اصلا حق یکی نگزارده
باشی لیکن نیکویی کرده باشی
از بعضی تابعین که
ایشان گفتند هر که در شبانروزی
پنج بار با مادر و پدر خود دعا کند حق
ایشان گزارده باشد و گفته اند که
پدر را بر فرزند ده حق است و واجب بود

که

که فرزند آن را بجای آورد ۱ آنکه اگر او را
جامه باید بدهد ۲ چون او را طعام
باید بدهد سیم چون او را بخواند لبیک
جواب گوید و حاضر شود ۴ آنکه
چون بوی محتاج گردد روی از وی
نگرداند ۵ بی فرمان وی بی رضای
او هیچ کار نکند ۶ آنکه با وی سخن
آهسته گوید ۷ آنکه او را بنام نخواند
۸ آنکه از پی او رود چون بند
گان درم خریده ۹ آنکه او را همان
پسندد که خود را ۱۰ آنکه وی را
دعا کند همچنانکه خود را

فرمود که فرزندان بر پدر چهار حق
است باید که پدر او را بجای آرد
١ انکه چون مادر وی را بزنی کند
و مصلحت کوشند تا فرزند را سر
زنش نکنند بمادر ٢ انکه فرزند را
نام نیکو نهد ٣ انکه قرآنش
بیاموزد و مسلمان کند ٤ انکه
وی را کدخدا کند از حضرت
بهترین کاینات و خلاصهٔ موجودات
محمد صلعم که چون فرزند از مادر متولد
شود فعل دایهٔ بد و شیر حرام اثر کند
و چون فرزند بزرگ شود هفت روزه شود

او را بدایهٔ نیک دهید و شیر حرام ندهید که چون فرزند بزرگ شود

عقیقه

عقیقه کنند و نام نیکو نهید و چون
زبان وی کشاده شود تلقین کنند
وجهد نمایید که اول سخن بگوید الله اکبر
و چون چهار ساله شود قران و علم
اموزید و چون شش ساله شود
نیک و بد را اموزید و از قرین بد
نگاه دارید و چون هفت ساله شود
بنماز فرمایید و بر فق و چون نه ساله
شود از بستر خواب جدا کنید و چون
ده ساله شود اگر نماز نکند بزنید و
چون دوازده ساله و سیزده ساله
شود الکن فرایض حلال و حرام بیاموزند

وچون پانزده ساله شود اگر نماز نکند
کشتن بروی واجب ولازم دانید
وچون شانزده ساله شود با هرکه بد
وی را اذن دهد وی دوست بگیرد
وبگوید ای پسر ادب وقرآن بیاموختم
وزن دادمت اکنون بخدای عز وجل
پناه گرفتم از فتنه تواندر دنیا واز
عذاب تواندر آخرت
فرمود که چهار چیز است که آن
نیکبختی مرد مسلمانست
انکه او را زنی موافق باشد
انکه دوستان او همه نیک مردان باشند

سیم

انکه فرزندان او مصلح باشند
انکه روزی او در شهر او
باشد کنند از امیر المو
منین علی ابن ابی طالب ع که
میگفت در وقت وفات خویش که میخواستم
که از انکه از دنیا بروم ده چیز ثابت کنم
درمیان خلق تابران قیام نمایند تا
بقیامت ۱ در هر محله که عالم بودی
بفرمودمی تا دران جزایی بنهند تابران
عالم صرف کنند تا اداب نزاعلم دین بیا
موزد ۲ جوانی که کاری کند وبا پیری
مشورت نکند ان جوان را حد فرمودمی

هرکه شراب مستی یکبار خوردی
باشد بفرمودی تا ویرا بند و هند و چون
بار دیگر خوردی بفرمودی تا باوی در آتش
نمانند و سیم بار که بخوردی بفرمودی
تا ویرا باتش بسوزانند هرکه
بنماز جماعت یکشبانه روزی بیامدی
بفرمودی تا اتش در خانهٔ او زدندی
هرکه حدیث دنیا در مسجد گوید
بفرمودی تا اورا از مسجد بدر کردندی
و دیگر در مسجدش نگذاشتندی
هرکه شبانه روزی بروی نگذرد که تیر و
کمان یا چیزی از سلاح حرب بجهت

ابر نگرفتی بفرمودی تا بر او زن ندادندی
و هیچ کس بر و دختر خود ندادی
هر زنی که بی رخصت شوهر از خانه
بیرون شدی بفرمودی تا ویرا عذاب
سخت کردندی هرکه بخیلی کردی
در مال خود بفرمودی تا مال ویرا بغارت
شدند هرکه نماز بامداد کردی و صبح
از قران نخواندی بفرمودی تا هیچکس
با او ننشستی هرکه نافرمان مادر و پدر
کردی بفرمودی تا ویرا حد زدندی
از شفیق زاهد که
گفت چهار هزار حدیث بیاموختم

این نوشتم تا بماند یادگار
من نمانم خط بماند روزگار

وازان جمله چهار چیز اختیار کردم
انکه دل در زنان مبندید و بفر
مان ایشان مباشید و بقول ایشان
کار مکنید که بدوزخ گرفتار شوید
دل در دنیا مبندید تا از طاعت
حلاوت یابید از هر چه دلتان
طلبد و گواهی دهد ازان حذر کنید
هر سخنی که بخواهی گفت از جوانب
باندیشید کنند از عبد الله
مسعود رحمه الله از پیغمبر شنیدم که میفر
مود بدان خدای که جان من بفرمان
اوست که هیچ بندهٔ مسلمان نباشد

سنه ۱۳۰۲
ایکه گفتی ... بحیت
یرنی جیان فدا ...
کلام ... دلجویت

تا دل

خمر خواره را واگذارد همچنان باشد که بر
ویرانی اسلام یاری کرده بود و هر که
خمر خوار را وام دهد چنان باشد
که بر کشتن مسلمانی یاری کرده باشد
و هر که خمر خواره را به برادری گیرد
همچنان باشد که با شیطان دوستی
کرده باشد و هر که دختر خود را و یا
خواهر خود را بزنی به خمر خواره
دهد همچنان باشد که دختر و خواهر
خود را بزنا فرستاده باشد
گفت که چون روز قیامت خمر خواره
از گور بر خیزد روی او سیاه باشد

وخدای تعالی بفرماید که تا زبان وی
دا از دهان وی بیرون کشند و بروی
وسینهٔ وی اندازند وزرد اب از
زبان او می دود وچشمان او کنده
وکوزهٔ خمر در گردن او اویخته و همه
اهل عرصات برو جمع شوند وگویند
این شخص کیست با چنین عذاب
وبکراهیت گویند این آن شخص
است که در دنیا خمر پلید خورده
است ولی توبه نموده است
بیت حاصل سوی شراب شدن
اخوش شرم سوی اب شدن

وی

وی جوف خون شوم گردن کشی از ره
اب رفته در آتش چون دلت جای
نور وایمانست دوهم نیت کرده
قرانست پس تو اشوم ناید از بو
دان که بو بوی شراب بو قران
یستغیث اهل
النار کل یوم سبعین مرة وفی
تلك الوادی بیت من نار وفی تلك
البیت حب من نار وفی ذلك الحب
تابوت من نار وفی ذلك التابوت
حیة لها الف راس وفی کل راس
الف فم وفی کل فم عشر الف ناب

نزع قال انس ابن مالك يا رسول الله
من هذا العذاب قال صلعم على شارب
شوبة الخمر من حملة القران
ای سید ارض نحو لولاک ننهاده قدم
بر از تو بر خاک ای نام تو همچو
خلق تو خوش وی چشم تو همچو
روح تو پاک اشراف بجمله اهل
تشریف پیش شرف تو کم زخاشاک
در حق تو گفته حق لعمرک بارایت تو کشید
لولاک ان بزرگی که شمه از نام او
بشنیدی میفرماید که در جهنم وادی
هست که اهل دوزخ هر روز هفتاد

هزار

هزار بار از ترس ان وادی بنالند
و در ان وادی خانه ایست از اتش
و در ان خانه چاهیست از اتش و در
ان چاه تابوت ایست از اتش و در ان
تابوت ماریست از اتش وان مار را
هزار سر است و بر هر سری هزار دهان است
و در هر دهان هزار نیش است و دندان است
و در هر دندان هزار کزنیست انس ابن
مالک گفت یا رسول الله اینچنین وادی
و چنین عذابی کرا خواهد بود رسول
صلعم گفت این عذاب انکس را خواهد
بود که خمر بلند بالای قران مجید نهد

باشد گفت که چون روز
قیامت شود ندا اید که کجا اند دشمنان
من پس حمر سل گوید ای بار خدایا
دشمنان تو بسیار اند کدام دشمنان
میخواهی پروردگار عالم گوید که اصحاب
الخمر خمر خوارگان کجا اند دشمنان
ما که شب راست کنه ... اند و ثنا
کرده اند که
گند از عبدالله مسعود رحمه
الله علیه که چون خماری بمیرد ویرا
در گور کنند و مرا ور خانه کنید پس
انکه گور را باز کنید چنانکه روی او
سیاه

سیاه شده و از قبله گردانیده باشد
مرا بکشید و گفته اند در خمر خوردن
ده خصلت بد است چون خمر
خورد عقل از وی برود هلاک
کننده مال بود انکه در میان دو
ستان خصومت اندازد
انکه از نماز باز ماند انکه خمر او را
بزنا مصر دارد انکه در بدیها
بر خود بگشاید انکه فرشتگان
بروی حفظ اندازند و از وی بیزاری
کنند انکه حد خدای تعالی را
بر خویشتن واجب کند انکه

درهای بهشت بروی دربندد
انکه در وقت جان دادن
ایمان از وی بستانند
کفت هر که خمر خورد چنانکه شکم او
الوده کردد تا هفت روز نماز وی
او نپذیرند اکر مست کردند تا هشتاد
روز طاعت وی نپذیرند اکر در مستی
بمیرد کافر بمیرد اکر توبه کند خدای
تعالی توبه او را قبول کند واکر دیکر
باره توبه را بشکند و خمر خورد خدا
تعالی از زرداب دوزخ باو بچشانند
کنند از رسول صم که هر که

انکه در وقت جان دادن ایمان بکیار چیز
از وی
... بستانند

چیز چشم را نکاه باید داشت
از نامحرم نکاه داری انکه
بشهوت در صورت نیکو ننکری
انکه بچشم خوار در مسلمانان
نکاه نکنی یعنی بعیب مسلمانان
کشاده نداری که چشم را از بهر ان
افریدکه در ملکوت اسمان و زمین
نظاره کنند و عجایب صنع پادشاه
مشاهده کنند اما باید که زبان از
هشت چیز نکاه داری از دروغ
کفتن از وعده خلاف کردن
از غیبت کردن از

عیب نکاه نکنی یعنی بعیب مسلمانان
کشاده نداری که چشم را از بهر ان

حدل وحصومت   از ثنا کفتن

بر خود   از لعنت کردن بر خود

انکه دعای بد بر هیچکس نکند

از مزاح کردن اما شکم را از سه چیز نگاه

باید داشت   از حرام   از

شبهت   از وقف که بخلاف

شرط بود واما فرج را از حرام نگاه

داشتن سوالی تا انکاه که چهار ــ

کار نکنی   چشم از نکریستن

دل از اندیشه   شکم از خوردن

حرام   از سیر خوردن که سیر

خوردن شهوت انکیزد وشهوت

اند

حرام   از سیر خوردن که سیر

خوردن شهوت انکیزد وشهوت

اندیشه او زد واندیشه فرا نکریستن

او زد   بیم همه شهوتها سیر خوردنست

خاصه از خوردن حرام وشبهه

اما دست از چهار چیز نگاه باید داشت

کسی را نزند یا حرامی فرا گیرد

یا در امانتی خیانت کند یا بقلم چیزی

نویسد که ناحق باشد اما پای را از

سه چیز باید داشت   بخانه ظالمی

رفتن یا از پی نامحرم رفتن یا بجا

ناپایست رفتن یا بخانه سلطان

وو زیر وعاصی وظالم شدن

معصیت بود حرکت مکو بضرورت

سه چیز باید داشت

بخانه ظالمی رفتن

ناپایست رفتن

کفت هر که توانکری را برای
توانکری تواضع کند بوج از دین
وی برود و بدانکه دل از معصیت
باز نتوان داشت تا نجست دل از
نجاست و پلیدی پاک نکنی که اصل
دلست و تن امین ویست اکر وی پاک
و شایست بود بر اندامها جز پاکی
و شایستکی نرود و اکر دل پلید بود
از وی جز پلید نیفزاید که از شیشه
همان بیرون تراود که دروست
کند از معاذ جبل که
رسول صلعم فرمود که حق سبحانه و تعالی

راهفت

بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم
این خط از مال
یعقوب یعنی یعقوب
دشت بلای دشت

را هفت فرشته است که ایشان را امر
کرده است بر اسمانها چون کرام
الکاتبین عمل بنده را بان سما بردند
فرشته که دربان اسمان اولست
کوید این عمل بر روی ان بنده زنید
که مرا خدای تعالی فرموده است که مکذارم
کسی را که غیبت مردمان کرده است
پس عمل بنده دیکر با سمان دوم بر
سانند که غیبت نکرده است پس
ان فرشته که دربان اسمان دوم است
کوید این عمل بر روی ان بنده باز
زنید که مراد او ازین عمل فرض دنیا

بنوده است وکوید که مرا خدای تعالی
فرموده است که هر که عمل کند و در میان
خلق فخر کند و یرا راه ندهیم پس عمل
بنده دیکر میبرند تا اسمان سیم ان
فرشته که در اسمان سیم است کوید
که بایستید واین عمل بر وی ان بنده
باز زنید که ایزد تعالی مرا فرموده است
راه ندهم زیرا که او در مجلس ها تکبر
کرده است پس عمل بندهٔ دیکر میبرند
باسمان چهارم ان فرشته که در اسمان
چهارم کوید که این عمل بر وی ان
بنده باز زنید که مرا خداوند فرموده است

که عمل

وی را راه ندهم زیرا که او رحم نکرده
بر کسی که او را بلای رسیدی پس عمل
بنده دیکر میبرند تا باسمان هفتم
ان فرشته که در اسمان هفتم است
کوید که بایستید واین عمل بر وی
ان بنده باز زنید که من باز دارم
عمل هر که خاص از برای خدای تعالی
نباشد وی بدین عمل خدا را نخواسته
است لیکن نام بزرک و اوازه
خود بخدای تعالی رسانید و جمله
فرشتکان کواهی میدهند که عمل
بندهٔ خاص است خدای تعالی کوید

بسم الله الرحمن الرحیم

که شما رقیب ونکاه بان بنده من
وجمله فرشتکان بر و لعنت کنند
پس واجب بود که خردمندان خود
را ازین کارها باز دارند
کنند ار سعمر صم کفت بر شما باد که
کار از بهر خدا بکنید وبریا عمل مکنید
وبدان عمل که کنید زهد دنیا نخواهید
وثواب اخرت وخشنودی خدای
تعالی خواهید وخدای تعالی در کلام
مجید خود فرموده

یعنی که هر کاری که نه از بهر خدا
باشد

باشد چون روز قیامت شود ما همه
را باطل کردانیم وهباء منثورا
کردانیم ورسول صم کفت هر که کناه
کرده باشد وناشایستها بسیار
کرده باشد از رحمت الهی نا امید نباشد
که نا امیدی کفر است باید که با یزد
تعالی بازکردد وتوبه نصوح کند
پس ازانکه خدوی فرا رسعبد الله
مسعود روایت کند از سعمر صم
که توبه نصوح را ده مقام است
یکی از خجلت بیرون امدن
از کردار بد پشیمان شدن

ازارزوهای نفس بکسو شدن
نفس را دشمن داشتن
خصمانرا خشنود کردن
بدل گناهان بر دکر کردن وطاعتها
بر دکر کردن   از طریق غفلت
برکشتن   با خدای تعالی زنی ناکردن
خلق خدای را از زبان خود در
امان داشتن   از قرین بد دور شدن
مصری گوید که توبه نصوح
را علامت بسیار گریستن است ودر
یع خوردن وبیم داشتن وخدمت
نیکان کردن و دور بودن از بدان

وبران

وبران
بودن کرد یکی باشی معصیت نکردد
وچون توبه برین جمله بود خدای تعالی
گناهان او را بیامرزد
رسالت پناه صلعم فرمود که تعجیل کنید
بتوبه پیش از انکه در توبه بربندند
وبر عمر اعتبار مکنید وتوبه بفردا
میفکنید از مرگ مفاجات باشند
بیشید وانرا انکسانی که در اب مردند
ودر اتش افتادند چون نام مردی
بر شما نهاده اند نامردی مکنید چون
انسانتان خوانده اند انسانی بجا
ارید دشمنی پیدا کرده اند بکنید و

ومكيند حطاب فرموده وطبع انسانی
داده ونام مردی نهاده بحضرت
عزت باز ائيد پيش از انكه سد
بر پای شما
سهد علاج مزاج حاصل كنيد پيش
از انكه در دار خانهٔ ما، خدا لست
معصيت شما بر شما دربند نند
وقطرهٔ ندامت از ديده كيريدگ
هركه از ترس خداى
چندان بكويد كه مژهٔ چشم او تر شود
خداى تعالى روى او را بآتش دوزخ
حرام كرده اند الهی حاضران مجلس

وارا

وارا توبهٔ نصوح كرامت كن يا ارحم
الراحمين قوله تعالى

بعضى از علما كفته اند در
تفسير اين اية كه چهل خصلت واجب
بود بر شوهران تا از اهل اين اية باشند
واز انجه از باب علم است انكه حلال
خود را چندان از قران بياموزد كه
نماز وى درست بود از فرايض
حق سبحانه وتعالى وسنت پيغمبر
بياموزد لعنت دنیائی وعقبى
بر عنبت احذرتش فرمايد

اخلاصش تعلیم دهد و هیچ دیگر برجم
واستعمال کنند انکه دیراجوت
خادمان در حوزه ندارد
تکلیف نکند برکاری بد که بد ا
مشغول باشد خود از بنها
باز ایستد تا او نیز باز ایستد
خود را بمتابعت شرع مشغول
کند تا او بوی اقتدا کند از جمله
خواب بیرون در شود مگر جهت
عذری و هیچ دیگر در باب نهی است
انکه اورا اجازت ندهد که از
خانه بیرون اید منع کند
اورا

طعام را تا نماز فوت نشود
بفرماید تا پیش از فوت شدن نظنند
هیچ دیگر در واجبات بفرماید
اورا بصلهٔ رحم رحم کند
بفرماید اورا باکرام خویشان
بفرماید تا ادب کند کنیزانرا
بفرماید تا عدل کند میان فرزندان
وبندگان بفرماید تا محتسب
اهل محله باشد هیچ دیگر در باب ذکر
بفرماید تا بسیار خواند قرانرا
بفرماید که بسیار گوید تسبیح
بسیار گوید

ببیاد

کوید
واستغفار میان هردو دن که موفقت
بود بدین جهل فضایل عمل کنند
تا از اتش دوزخ خلاص یابند واز
اهل این ایة باشند که خدای تعالی
میفرماید قوله تعالی

یعنی برهانید خویشتن را از اتش
واهل خویش را از اتش که بود اتش
که بود اتش انکه ی مردی وسنک کریت
از عاقبت کرما له در رانیدن خود را کار

دین

دین بیاموزد انکه این تو طاعت
خدای تعالی فرماید انکه ایشانرا
ازمعصیت نهی کند انکه طاعتهای
کذشته را قضا کند انکه طاعت
عالم را ادا کند در استقبال دل
به نهد که ادا کنم انکه از کناهان
کذشته توبه کند در حال کناه نکند
دهم خشنود کنند درحال
خصم سر کردند انکه دل به نهد
که در استقبال خصم کرند و هر مرد و زن
که بدین اوقات بود از اتش دوزخ رهایی
یابند که زنان مامور امر ایشان و

رضای ایشان زندگانی کنند وسخن
سر در روی ایشان نگویند
کنند که روزی مردی بخدمت
حضرت رسول صم امد وشکایت کرد از
زن سلیط رسول صم فرمود که هر
زنی که شوهر وی از زبان او در عذاب
باشد ان زن در لعنت خدای تعالی
باشد وجمله فرشتگان برو لعنت کنند
انحضرت فرمود که هر زن که شوهر
او را بخواند وان سرکشی کند در خشم
و در لعنت خدای تعالی باشد فرمود
که هر زن که شوهر خود را گوید که از تو

چه

چه نیکی دیدم خدای تعالی هفتاد
ساله طاعت ویرا حبط کند که در
ان هفتاد سال روز بروزه وشب
نماز بوده باشد مگر انکه توبه کند وباز
گردد حضرت امیر المومنین علی
ابن ابی طالب ع فرمود که از رسول
صم شنیدم که هر زنی که بشوهر خشم
کند واز خانه بیرون رود ان زن
بر خود ظلم کرده باشد وان زن را
با فرعون حشر کنند با هامان و
قارون در درکه زیرین دوزخ
مگر انکه توبه کند وباز گردد

ابن عباس گوید که شنودم از رسول
صلعم که هر زنی که بی دستور شوهر
از خانه بیرون رود لعنت کنند
بر وی هرچه که آفتاب و ماهتاب بر وی
بتابد هر زن که شوهر از وی
در غضب باشد آن زن را چندان
عذاب کنند که یک نیمهٔ گناهکاران
امت محمد صلعم و جمله فرشتگان
و پریان بر وی لعنت کنند
سلمان فارسی گفت که شنیدم
از رسول صلعم که هر زنی که او را
طاقت باشد و منت بر شوهر نهد کند
و گوید

و گوید تو از مال من میخوردی اگر آن
زن مال را جمله بصدقه دهد از وی
قبول نکنند و همه وبال گور و قیامت
او را باشد مگر آنکه شوهر از وی را
ضی باشد ابوذر غفاری
رضی الله عنه گفت شنیدم از رسول
صلعم که گفت هر زنی که بشوهر گوید که
لعنت بر تو باد لعنت کنند آن
زن را هرچه بالای هفت آسمانست
طالحه گفت شنیدم از رسول صلعم
که گفت هر زنی که بروی شوهر
سخن بد گوید خدای تعالی از وی خشنود نیست

بیزار کردد   طلحه کوید که شنودم
از پیغمبر صم هر زنی عبادت کند مانند
عبادت مریم بنت عمران و شوهر
از وی ناراضی بناشد ان همه طاعت
از وی قبول نکنند و هم او را با منا
فقان در دوزخ کنند   کویند
از پیغمبر صم هر زنی که بر شوهر نهد
و از وی چیزی خواهد که دست
رس ان بناشد خدای نه فریضه
از وی قبول میکند و نه سنت
و با وی بخشم باشد مکر انکه توبه
کند و باز کردد   فرمود

پیغمبر نباشد شوهر را چون زن نید ... نباشد کوید

که

که اکر زن خود را بخته کند و بخورد
شوهر دهد اکر خوردن ان روا
بود هنوز حق شوهر از صد یکی
نکذارده باشد   انس بن
مالک کفت که پیغمبر صم فرمود که چون
زن پنج وقت نماز بکذارد و روزه
ماه رمضان بدارد و تن خود را
زنا شایست نکاه دارد و فرمان
شوهر بجای ارد درهای بهشت
بر وی بکشایند تا از هر در که خواهد
در شود   ابو ایوب
انصاری کفت شنیدم از پیغمبر

که زنی که رنجه دارد شوهر را تا او
را طلاق دهد آن زن هرگز از آتش
دوزخ خلاص نشود و اگر مرد زن را
رنجه دارد تا سر خود را از وی باز دارد
و آن زن مستوره بود آن مرد هرگز
راحت نبیند اگر مرد بی زن مستوره
باشد و او را بی جنایتی طلاق
دهد و باز آن زن خود را عرضه
کند و آن مرد خود سر با آن زن فرود
نیارد و در کابین بر وی ظلم کند
آن مرد هرگز بوی بهشت نشنود
و هر مرد که بخاطر بگذراند که کابین

وی

وی نیست آن مرد با آن زن چنان
بود که زنا کرده باشد و چون یاران
از پیغمبر صلعم یک یک این چیزها
کردند آنگاه حذیفه را با آن مرد نزد
یک آن زن سلیطه فرستادند تا این
چیزها بگذارد و چون آن زن
این حدیثها بشنید و برخواست
و بخدمت حضرت رسول صلعم در آمد
و به دو را نوبت و از یاران
درخواست تا از شوهر وی در
خواهند تا از وی خشنود گردد
و یاران از شوهر وی درخواستند

تا از وی راضی شد آنگاه ایشانرا
دعا کرد و عهد نمود که رضای
شوهر را نگاه ~~ایشانرا دعا~~ دارد
کنند که زنی بخدمت
سید امد و گفت یا رسول حق
شوهر بر زن چیست فرمود
که حق شوهر بر زن انست که
اگر ترا بخواند اجابت کنی و اگر تقصیر
کنی تا بار دیگر ترا بخواند ثواب
هفتاد نماز فریضه از تو بنقصد
و اگر از خانه بیرون شوی بی
اذن شوهر بهر گامی که بروی

یک

یک نیکی از اعمال تو بیرون کنند زن
گفت یا رسول الله حق زن بر شوهر
چیست فرمود که حق زن بر شوهر
انست که اورا از نامحرم نگاه دارد
و کارهای دنیا بروی نفرماید که از
طاعت باز ماند و اورا مانند مردان
سرافراز نکند در وقت زادن اورا دایه
دهد تا اورا رنج کمتر بود از برای
پختن و ساختن اورا تکلیف نکند
و دیگر آنکه خویشان اورا گرامی
دارد تا از آتش دوزخ خلاص یابد
و اگر بغیر این معنی زندگانی کند

هرکز بوی بهشت نشنود یا رسول الله
دیگر حق شوهر بر زن چیست فرمود
دیگر هر زنی که بخشم بر روی شوهر
نکرد نا بینا شود و هر زنی که شوهر
از زبان او رنجه باشد روز قیامت
زبان وی از پس سر بیرون کشند
و همچنان میکشند تا زبان وی
از پس سر بیرون هفتاد گز شود
و گرهها بر زبان وی زنند انگاه
بر شکافند و آتش در میان زبان
وی افروزند و هر مردی که زن
صالحه را رنجه دهد و دشنام
دارد

دارد و آن زن مستوره باشد و از
زبان او رنجه دارد آن مرد را روز
قیامت در دوزخ کنند و ماران و کژدمان
بر وی گمارند و زبان از دهان او
بیرون کشند و ریم و خون از دهان
او سیر رود و دیگر فرمود صم که هر زنی
که او را مالی باشد و شوهر او را بدان مال
حاجت باشد آن زن مال را دریغ دارد
از وی میان او و میان خدای تعالی
ستر دیده شود و هر زنی که از مال
شوهر چیزی بصدقه دهد بی دستور
شوهر ثواب او همه از شوهر بود و آن

هر انکس در جاه قدم می نهد
قدم بر سبب بیچاره ما می نهد

[illegible]

هزنه کاد بوده باشد و هر زنی که روزه
دارد و نماز کزارد و وضو را دعا کند
و شوهر را دعا نکند آن نماز و روزه
از وی قبول نشود کند
از پیغمبر صم فرمود که چیزی که از
زن پرسند در روز قیامت از ایمان
و از نماز و از حق شوهر پرسند و هم
الحضرت فرمود که هر آن زنی که کابین
بشوهر بخشند خدای تعالی او را در
میان بهشت جای دهد و بهر
مثقالی از آن کابین او را ثواب
ازاد کردن بندهٔ بدهد و همچنان
بود

٨٦

که هزار هزار دینار را بصدقه داده
باشد و هزار یتیم را پوشاینده بود
و هزار هزار ماه روزه داشته باشد
و هزار هزار کرسنه را و هزار هزار شب ٣ طعام داده باشد ٢
قدر دادریافته بود و هزار هزار حج
و عمره کرده باشد و هر زن که شوهر خود را
خدمت کند خدای تعالی هفت اندام او را
بر آتش دوزخ حرام کرداند و وی را به
بهشت عدن کرامت کند
کنند از پیغمبر صم که هر زنی که شوهر خود
را اب دهد او را بهتر باشد از عبادت
هزار ساله که روز بروزه و شب بنماز

بوده باشد و هر زنی که شوئی آب بدست
شوهر دهد خدای تعالی بدهد او را
شهرستانی در بهشت و گناهان
شصت ساله او را بیامرزد و هر زنی
که در درویشی شوهر قبول کند جمله
فرشتگان او را بدوستی قبول کنند
و از خدای عز و جل آمرزش خواهند
و هر آن زنی که دوک رسید و تسبیح کند
هر رگی و موی که بر وجود او باشد
و آن صرخ و دوک و جمله فرشتگان مر او
را آمرزش خواهند و عبدالله عباس
از رسول گوید که بهزنند که حق تعالی

عذاب

عذاب گور از ایشان بردارد ایشان را
با فاطمه زهرا علیه السلام حشر کند
یکی آن زن بود که در رنج شوهر صبر
کند دوم زنی که کابین بشوهر بخشد
و دیگر زنی که در تنگ دستی شوهر
صبر کند و در بدخوئی شوهر صبر
کند سیم زنی که کابین بشوهر بخشد
از سلمان فارسی رحمة الله
علیه که روزی حضرت فاطمه ع پیش
حضرت رسول الله رنگش متغیر
شده بود سبب چه گفت تاراج شده است
فاطمه گفت میان من و علی بحثی واقع

شده است ومرا سخنی گفته شده است
بسهو وعلی را غضب پیدا شد
ومن پشیمان گشتم وبنزدیک الحضرت
شدم وهفتاد بار برگرد او گردیدم
دیدم تا ازمن راضی باشد ودر روی
من خندید ومن ازین ترسناکم
سعمرصم گفت بالخدای که مرا براستی
بخلق فرستاده است که اگر شوهر
از تو راضی نباشد پروردگار عالم
از تو راضی نباشد والافلا خوان
زنی که شوهر از وی راضی باشد
شبی وروزی بهتر بود از زنان

از

ازعبادت یکساله ای فرزند من
فاضلترین عمل عبادت زنرا بعد
از نماز فریضه فرمان برداری
شوهر از وی از دنیا نرود تا جای
خود در بهشت نه بیند وشربت
از حوض کوثر بخورد ای فرزندی
باشد که او را شوهر مسکین وان زن
مسکینه باشد وی را نظر کردن در روی
شوهر بهتر است از طواف خانه کعبه
از امیر المومنین علی
ابن ابی طالب ع که گفت من وفاطمه
بنزدیک حضرت م سعمرصم شدیم

اورا کویان دیدیم کفتیم یا رسول الله
صد هزار جان ما فدای جان تو باد چون بهشت
که ترا کویان می بینیم کفت یا علی ان
شب که مرا بمعراج بردند چیزهای
عزایب و عجایب دیدم صفت
ان مرا یاد امد کریان شدم کفتم یا
رسول الله خبر کن ما را از ان کفت
بدانکه ان شب فرشته دیدم با سهم
و هیبت و خشم نشسته و اتش
کرفته و من از هیبت او در میان
بر جبرئیل ع شدم کفتم یا جبرئیل
این کیست کفت این مالک دوز

ممر

خشت کرسی
او را دیدم بر کرسی اتش نشسته و تاج
از اتش بر سر نهاده و عمودی از اتش
بدست کرفته که اکر ان عمود را بر هفت
اسمان و هفت زمین نهادی بکدا
ختی پیش او رفتم و بر و سلام کردم
جواب من نداد انکه جبرئیل کفت
یا مالک این محمد عربیست پس مالک
بر خواست و مرا بر سید و عذر خواست
و کفت یا محمد تا اکر از من بترسی جای
هست زیرا که خدای تعالی مرا از خشم
خود افریده است کفتم یا مالک دوزخ
را بمن بنمای پس مالک کفت تو دوزخ را

نخواهی دید من غمناک شدم جبرئیل
گفت یا مالک جبار عالم میفرماید
که هر چه محمد میگوید آن کن پس مالک
دوزخ را بمن نمود و عذابهای گونا
گون و سخت بدیدم گفتم یا مالک
سر دوزخ و پای دوزخ چگونه است
گفت خدای عز و جل دوزخ را چهار
پای افریده است و هر پای پانصد
ساله راه است و او را سی هزار سر است
و بر هر سری سی هزار دهان و بر هر دهانی
هزار دندان است و اندر هر دندانی سی
هزار حلقه والله هر حلقه سلسله بسته

و هر سلسله را بدست فرشته داده
و بران همه نوزده فرشته موکل کرده
است گفتم یا مالک این دوزخ را از
چند سال است که می تابی گفت یا محمد
بدانکه هزار سال بتابیدمش تا سیاه
شد و هزار سال دیگر بتافتمش تا سرخ
شد و هزار سال دیگر بتابیدمش
تا سیاه شد [تاریک] و هم برین سیاهی می
تابم تا روز قیامت و بدانکه یا محمد
درین دوزخ هفت درکه است
جهنم لظی حطمه
جحیم سعیر

سقر هاویه کفتم یا مالک درکه
درکه کیان باشند کفت درد که
منافقان باشند و در درکه
قوم نوح است و در درکه
جای ابلیس است وازان کافران که
بخدای تعالی دعوی کرده اند و در
درکه کافران مشرکان قریش
است و در درکه کبران وجهودان
است و درکه ترسایان و دبا
خوادکان راست و در درکه
جای قومیست از امت تو که عاصی
شوند و بی توبه کناه کبیره مرده باشند

کفتم

کفتم یا مالک تمامی جهنم که جای
امت عاصیان منست بمن بنمای
بمن بنمای مالک بکریست و کفت
یا محمد از تو شرم دارم انکه اوازی
برامد که هرچه محمد کوید ان کن پس
مالک تمامی جهنم بمن نمود و کفت
یا محمد درین جهنم سی هزار چاهست
از اتش و هر چاهی سه هزار ساله راست
بفراخی و همه پر عذاب و هزار کوهست
از اتش و هر کوهی هزار ساله راست
و در هر کوهی هزار دره است از اتش
و در هر دره هفتصد هزار سر سنانست

ازاتش واندر هر شهرستان هزار
کوشک است ازاتش و در هر کوشکی هفتصد
هزار سراست ازاتش و در هر سرایی
هفتصد هزار صفه است ازاتش و در
هر صفه هفت صد هزار خانه است
ازاتش واندر هر خانه هفتصد هزار
صندوقست ازاتش و همه پر عذاب
گوناگون و یک گروهی را دیدم لگام
~~اتش و همه پر عذاب~~ اتشین بر سر
ایشان کرده بودند و ماران اتشین
بر گردنهای ایشان پیچیده و یکی
گروه را دیدم که بندهای اتشین

برپا

برپایهای ایشان بسته بودند
و دستها بغل کرده و بگردن باز
بسته و گروهی را دیدم که گوشت
خویش همی کنند همی خورند گفتم
یا مالک اینها کیانند گفت انکه
لگام اتشین در سر دارند و
ماران در گردن ایشان پیچیده است
کسانی اند که زکوة مال باز گرفته
اند و مال یتیمان خورده اند وان
و دیگر گروه که دستهای ایشان
ربا خوارکانند وانکسانی که گوشت
خود همی کنند و می خورند کسانی

قدایت شوم آقایان میرزا حسین خان

حسین خان و میرزا محمد علی

اند که عیب کرده اند و زنا حلال
دانسته اند دیگر مردی دیدم خفته
و شخصی بر سر او ایستاده و سنگ
بزرگ بر دست گرفته و هر زمان
ان سنگ را بر سر ان خفته زدی
و سر وی خورد بشکستی و ان سنگ
بغلطیدی و ان مرد از پی سنگ
فرا شیدی و بر گرفتی پس باز نگرستی
سر ان مرد درست شده بود پس دیگر
باره ان سنگ را بر سر وی زدی
و سر وی خورد کردی و باز درست
شدی و همچنان خواهند میکرد پس

مردی

مردی دیگر دیدم خفته بود و شخصی
بر سر او ایستاده و انبری بدست
گرفته و هر زمان یک نیمه دهن و بینی
وی بر گرفتی بران انبر تا پس سر وی
باز دریدی و چون فارغ شدی دیگر
باره درست شدی و دیگر جایگاهی
دیدم چون سر تنوری و بن ان
فراخ بود و بر انجا نگرستم مردان
و زنان برهنه دیدم که از ایشان
فروغ اتش همی امد و ایشان خواهند
که بفروغ بیرون ایند باز فروغ اتش
نشستی و ایشان بجای خود شدند

وباز جزع وفریاد براوردندی وید یکر
جای گاه دیدم چون جوی سرخ
چون خون و چودی را جا شناب
میکرد وشخصی دیدم بر کنار
جوی ایستاده وسنگهای بسیار
گرد کرده هرگاه که ان شنا بکنند
از جوی خون برخواستی وی امدی
واو را بگرفتی ودهان او را از سنگ
پر کردی وباز دران غرق ابش اندا
گفتم یا مالک اینها کیانند بدین
عذاب گرفتار گفت بدانکه ان مرد
که سوی وی سنگ میزد ندهد

که

[illegible]

که قران خوانده باشد وفراموش کرده
باشد وان مرد که دهان وبینی
وی تا پس سر وی میدرید نزد
که از خانه بیرون امدی ودروغ گفتی
وان دروغ وی همه جهان گرفته بود
اما ان جای که تنور است پر از مرد و
زن انکسانی اند که زنا کرده اند
اما ان جوی خون که مرد شناب میکرد
عالمی بود که علم از برادران دریغ
داشتی وخود نیز بعلم عمل نمیکرد
ودیگر مردی دیدم درمیان دوزخ
دو زبان اتشین در دهان او

ونعلین آتشین در پای وتاج
آتشین بر سر او وجامه آتشین
در بر او کفتم یا مالک این چه کس است
با چندین عذاب کفت این کسیست که زنا
که دوزبانی کرده است ومیان زنان
راستی نکرده است ومردی دیدم
درمیان دوزخ وکسان [illegible] در کرد
او ایستاده وهر یکی تازیانه آتشین
بر دست کرفته واو را میزدند
واو فریاد میکرد کفتم این چه کس
است کفت مردیست که فساد
پنهان از خلق کرده است که

حد برو

حد برو واجب شده است اکنون
او را حد میزنند ودیکری مردی
دیدم که او را از زبان او آویخته
بودند همچنان حد میزدند کفتم
این کیست کفت آن مردیست که
در دنیا زن وفرزند خود را دشنام
داده است بغیر حق وهم مسلمانان را
دشنام می داد اکنون بزبانش او
آویخته اند وحد میزنند اما زنی دیدم
بموی آویخته ومغز سر او میجوشید
وزن دیکری دیدم بزبان آویخته
در دو دست او بپشت بیرون

کشیده وقطران برحلق او میریختند
وزنی دیگر دیدم که بر پستان او
بحسه بودند وزقوم در حلق او
میریختند وزنی دیگر دیدم
که گوشت از تن او جدا میکردند
ومیخوردند وزنی دیگر دیدم
که دو دست او بر پای او بسته و
دو پای او بر موی پیشانی او
وکودک او بحیه ماران وکژدمان
بر وی گماشته اند در تابوت آتشین
کرده بودند وزنی دیگر دیدم که
گوشت او بناخن

زنی دیگر دیدم
که کر وگنگ بود
وکور

مبر

مبرند ند وبرمیداشتند وروی
او سیاه بود وروده از وی دیدم
وزن دیگر دیدم که سرش چون
سر خوک بود ودست وپای چون
دست وپای خر بود هزار هزار گونه
عذاب بر وی بود وزنی دیگر دیدم
بصورت سگ وآتش از زیر او بر
میشد واز دهان وی بیرون
می آمد ~~وفرشتگان بر پشت شوند~~
~~همچون ماه شب چهارده بود از نی~~
~~قومی بود که همچون سگان در~~
وفرشتگان گرزها بر سران

میزدند و زنی دیگر دیدم که دست
وپای او در بند کرده بودند و سگان
بروی گماشته و زنی دیگر دیدم
که زبان او از پس سر بیرون کشیده
بودند و ماران در زبان او بحه
و زنی دیگر دیدم که زبان او بسالیده
بودند و در آتش ها میکشیدند و
دیم وچون از زبان او میرفت
گفتم یا مالک اینها چه زنانند بدین
عذابها گرفتار اند گفت بدانکه
ان زن که بموی اویخته بودند
موی خود از نامحرم نمی پوشید

وان زن که

وپای او در بند بود ان زنی بود که
فرزند اورده بود از زنا و او را
کشته بود وان زنی که زبان او از
پس سر او بیرون کشیده بودند زنی
بود که سوگند بدروغ خورده بود
وان زنی که زبان او در دم وچون
میرفت ان زنی بود که نوحه گری
میکرد وچون سخن بدینجا رسید
همانا بگفت امیر المومنین علی ابن
ابی طالب ع و فاطمه زهرا ع زار زار
بگریستند گفتند یا رسول الله
ادمی چون تواند کرد گفت باید که

خود را از بزها نگاه دارد الهی اگر
از کسی گناهی بوجود امده باشد توبه
نصوح کند و باید تعالی باز کردد
تا خدای تعالی او را از اتش دوزخ
نگاه دارد الهی بحرمت محمد مصطفی
که اهل مجلس ما را توبه نصوح
کرامت فرمای و همه را ایمان عطا
کن و همه را در ان دم باز پسین
که شیطان قصد ایمان کند و
وارثان قصد مال میراث کنند
ایمان همه را سلامت دار و بر همه
رحمت کن و گناهان همه را عفو

فرمای

فرمای یا اله العالمین و یا خیر الناصرین
وازلفت الجنة للمتقین
غیر بعید هذا ما توعدون
لکل اواب حفیظ من خشی
الرحمن بالغیب وجاء بقلب
منیب ادخلوها بسلام ذلک
یوم الخلود لهم ما یشاؤن
فیها ولدینا مزید خدای تعالی
در کلام مجید میفرماید که وازلفت
الجنة للمتقین غیر بعید یعنی
بهشت را بهر پرهیزکاران بیاراسته
ایم و بهشت از بهر پرهیزکاران

باب نود

دو ر بنست چنین کویند کر میان بند
و بهشت چه مقدار است کفت کر فتن
چشم مومنی یعنی بو قت مرک که
چشمش بکیرند بهشت رسد
دیکر معنی انکه دو ر بنست که مو منی
ان بهشت رسند پس تفسیر کدام
مومن اند کفت هذا ما توعدون
لکل اواب حفیظ چون
مؤمنان بهشت رسند فرشتکان
کویند این ان بهشت است که
شما را بدو نوید داده بودند و
امید نموده بودند پس بدیکران
پس بدیدار ان

مؤمنان کیان باشند سعید مصیب
یکی از ایشان اواب اند یعنی توبه
کننده اند هر باری کناه دا فتند
باز توبه کنند سعید جنس کفت
اواب سبح کننده باشند قتاوه
کفت اواب مطیع باشد و بعضی
کفته اند اواب ان کسی باشد که در
خلوت کناه خود را یاد کند واز
خدای تعالی امرزش خواهند و
بعضی ان کفته اند و برا
که اواب ان کسی باشد که چون
کناهی بکند زود توبه کند و بعضی

کفته اند اواب رحیم دل باشد و حفیظ
ان کسی باشد که علمی که بشنود از
کلام خدای تعالی و از سنتهای
رسول صلعم انرا در دل دارد و قصد
بکار بستن ان کند و توفیق ایزد
تعالی در رسد باز کفت پرستکاران
باشند وقتی که از خلق پنهان
باشند و خواهند که کناه کنند
و دانند که خدای تعالی می بیند ایشانرا
و دست از ان معصیت بر دارد
و روز قیامت پیش ایزد تعالی ایند
با دل رهبت یعنی ترسنده از عذاب

لعنت الجبر

خدای تعالی

خدای تعالی و امید کیرند برحمت
خدای عز و جل بخشش کنهارا
روز قیامت
یعنی اندر اید به بهشت سلامت
رسته از عذاب خدای تعالی و رسیده
برحمت و نعمت خدای عز و جل
و بعضی کفته اند در اید بسلام
فرشتکان مقابل کفت بسلام
خدای عز و جل از ان روز که
ایشان به بهشت اندر شدند ان
امدنی باشد جاودانی که هرکزشان
از انجا بیرون امدن نباشد و در

انجا که بناشد وایشانرا دران بهشت
ان دهند که ایشان ارزو کنند

بسم الله الرحمن الرحیم
فدا بیت شوم اقای میرزا
ابو القاسم یک کتاب
به دهید بجونم سواد هم بود
نشد

معنی این ایه اینست
که ایزد تعالی میکوید که بشتابید
بامرزش پروردکار خود معنی
ان بود که بشتابید بکسی که بدان
بهشت یابید عبد الله عباس

کفت

کفت بشتابید بتوبه وحضرت
امیر المومنین علی ابن ابی طالب
کفت بشتابید بکذاردن فرضها
وباخلاص اندر کارها وانس ابن
مالک کوید بتکبیر وکفته اند
بشتابید بجهاد نفس تا نجات یابید
وکفته اند جهاد بر شش نوع است
جهاد است بسلاح با کافران
ومنافقان ومبتدعان بحجت کفتن
وجهاد ست با شیطان بر وسواس
وجهاد ست با دنیا تا بنهد
وجهاد ست با تن بقهر وجهاد

باموهنان به مدارا کردن وفا
همه جهاد تن خویش است پس گفت
که جهاد کنید تا بهشت یابید و
بهشت را صفت کرد که

یعنی بهشت

چندان پهنای اسمان و زمین
ساخته اند وان بهشت پرهیز
کارانرا بود

یعنی ان کسانی که
مال نفقه کنند یعنی بصدقه
دهند در پنهان واشکارا وگفته اند

صدقه

صدقه کنند در روز وشب وگفته اند
نفقه کنند برخویش وبیگانه

خشم فرو برند
وبرادریان ببخشایند وعفو کنند
وخدای تعالی دوست نیکوکارانست
وان بهشتی بدین عظمت بدین
گروه ارزانی داشته است وگفته اند
اگر اسمان و زمین چون جامه بهم
باز دوزند پهنای بهشت از ان
افزون تر اید چو پهنای بهشت چنین
بود بالای وی بسر خواهد بود

گوییم در اسمان چهارم است گویند
چگونه در اسمان چهارم باشد که
پهنای وی چند هفت اسما
نست و زمین گوییم بر یکسوی
اسمان چهارم است چنانکه
در شی در اسمان چهارم ایلیا
روایتست که بدانید
که بنای بهشت یک خشت
از زر است و یک خشت از سیم
و اندایش او از مشک بویا و خاکش
از زعفرانست هر کسی که بوی وی
شنود نعمتی یابد که از افتاب

اورده اند که مردی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
امد و گفت یا رسول الله بهشت چندین
هفت اسمان و زمین است پس دوزخ
کجاست پیغمبر صلعم فرمود که چون
روشنایی روز در اید تاریکی
کجا شود و چون تاریکی شب در اید
روشنایی روز کجا شود گفت الله
که خدای حق سبحانه و تعالی خوا
پیغمبر صلعم گفت خدای تعالی قادر
است هر چه میخواهد می کند
بهشت و دوزخ چنانکه خواهد
مینهاد اگر کسی گوید که بهشت

کجاست

وزندکانی پاید جاودانی وجامهای
بهشت هرکز کهنه نشود ورسول
صم فرمود که اول کسی که از امت
به بهشت شوند همچون ماه شب
چهارده بود از پی او قومی بود
که همچون ستارگان درخشنده
کنند انس ابن مالک از
پیغمبر صم که هرکه از کسی هر نماری
سه بار بکوید اللهم صل علی محمد وآل
محمد حق سبحانه
وتعالی اورا بهشت کرامت کند
واز عذاب دوزخ ازاد کند و
ورسول

ورسول صم کفت که کمترین بهشتی
راهفتاد حله در پوشانند وبهرین
راهفتاد هزار پرستار ایشان چون
بیضه لاله بیش بناشد وچون اهل
بهشت در بهشت شوند واهل دوزخ
در دوزخ قرار کیرند انکه منادی
ندا کند که ای اهل بهشت شما از
حق سبحانه وتعالی وعده بهشت بجوا
هید تا انرا وفا کند اهل بهشت
کویند مارضای خشنودی خدای
تعالی میخواهیم که مارا از کور سفید
روی بود بفضل خویش در بهشت

اورد و از آتش برهانید چون این
شکر بجای ارند دعا مستجاب کردد
و رحمت بایشان عرضه کند تا جمله
مؤمنین برحمت خدای تعالی برسند
الهی بحرمت سید کاینات که جمله امت
محمد را برحمت خود مشرف کردان یا رب
العالمین و یا خیر الناصرین
و قول رسول صلعم بباید دانست که
همه چیزها نیک از خدای تعالی
باشد و بازکشت همه چیزها از و
بیست و در دل هر کس که دوستی
خدای تعالی جای کرفت دوستی دنیا

دردل

در دل او جای نماند و هر که از دنیا روی
بتافت بهشت جاودان یافت و هر کس
که خشم فرو خورد از جمله رستکاران
باشد و خردمندترین مردمان ان کس
بود که بر نفس خود درد باشد و کاری
کند که او را پس از مرگ دست گیری
باشد و ابله ترین مردمان انکس بود
که تواند از پس هوای نفس رود و خود
پندارد که خدای تعالی او را بیامرزد
و هر که نعمتهای خدای تعالی را سپاس
داری تواند که حق نعمتهای خدای
تعالی را شناخته بود و هر که عافیت

بشناخت کار او و همیشه باخلاص
نزدیکتر بود و بدانکه نیکوییهای خدای
تعالی را بداند او را مطیع بود و بهترین
عطاء بنده را از حق تعالی درین جهان
علم است و عاقبت و بدان جهان آخرت
نصرت و رویت و عاطفت و بخشایش
و نیکوترین چیزها مر بنده را معرفت
خدا است و شناخت و وحدانیت
خدای تعالی چهار چیز بود
علم حلم عدل
خویشتن داری اما بدانکه هرکرا
علم بود نیکی کند از بدی دور باشد

بازبین شد
۱۳۷۲ش

وهرکرا

کتاب مرغوب محبوب مطلوب علمی

مصابیح القلوب

۱۳۹۲